

جهانی شدن که در آن کاهش قیمت  
کفش بچه به بهای از دست دادن  
شغل پدرش تمام می شود، هیچ  
ارزشی ندارد (کمیسسیون جهانی  
بررسی ابعاد جهانی شدن، ۱۳۸۴)

## جهانی شدن و اثرات آن بر رفاه اجتماعی

دکتر سعید وصالی\*

سید مستجاد حسینی\*\*

علی اکبر اکبری تبار\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۲۵

### چکیده

گسترش روز افزون فناوری های ارتباطی و اطلاع رسانی و دستیابی آسان به شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و اینترنت تمام افراد از هر سن، جنس، ملیت و فرهنگی را در هر موقعیتی از شبانه روز هدف حجم انبوهی از اطلاعات قرار داده است. این فناوری ها که نقش تعیین کننده ای در فرایند جهانی شدن ایفا

---

\* دکترای جامعه شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

\*\* دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

\*\*\* دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

می‌نمایند، تغییرات وسیعی را در تمام ابعاد زندگی به وجود آورده‌اند، افزایش آگاهی‌ها، تغییر انتظارات و وابستگی هر چه بیشتر حکومت‌ها به مردم و تلاش برای جلب رضایت مخاطبان خود، تغییر سبک زندگی، افزایش نظارت جهانی و... و تغییراتی که در نتیجه آن در سیاست‌ها و برنامه ریزی‌های دولت‌ها ایجاد شده یا به تدریج در حال وقوع است؛ از جمله این پیامدهاست. رفاه اجتماعی چه به عنوان موضوعی عام و چه به عنوان رویکردهایی که در سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها تمهید می‌شود، متأثر از فرایند ناگزیر جهانی شدن است. پس بررسی رفاه اجتماعی و تاثیر جهانی شدن بر آن سوالی است که این نوشتار در صدد است با جمع بندی نظرات جامعه شناسان، اقتصاددانان و سایر اندیشمندانی که در این حوزه نظریه پردازی کرده‌اند، همچنین آمار و ارقامی که توسط سازمان‌های معتبر بین‌المللی ارائه شده است، به تبیین آن بپردازد.

ابتدا مروری بر نظریات ارائه شده پیرامون جهانی شدن آورده می‌شود و سپس مطالب مرتبط با رفاه اجتماعی و در پایان ارتباط میان این دو مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، رفاه اجتماعی، فناوری‌های اطلاعاتی و

ارتباطی

## مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اطلاع رسانی و دستیابی آسان به شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و اینترنت تمام افراد از هر سن، جنس، ملیت و فرهنگی را در هر موقعیتی از شبانه روز هدف حجم انبوهی از اطلاعات قرار داده است. این فناوری‌ها - که نقش تعیین کننده‌ای در فرایند جهانی شدن ایفا می‌نمایند- نقش عوامل سنتی تعیین کننده هویت مانند: خانواده، مدرسه و حکومت‌ها را در اجتماعی شدن و جهت دهی به امیال و افکار انسان‌ها کمرنگ نموده و با فشرده نمودن زمان و فاصله، دامنه ارتباط

انسان‌ها را در یک گستره جهانی وسعت بخشیده‌اند و تغییرات اساسی‌ای را در نحوه زندگی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و نگرش‌ها و به طور کلی هویت افراد به وجود آورده‌اند (حسینی، ۱۳۸۲: ۲) جامعه ما نیز (هرچند با تاخیر) در معرض فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین قرار گرفته و این امر پیامدهایی از لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته، زیرا بسیاری از افراد جامعه فرصت و یا امکان و قابلیت کافی را در خود برای انطباق با تغییرات نمی‌یابند و دچار سردرگمی و ناهنجاری اجتماعی می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۲: ۷).

علاوه بر این فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی به عنوان مهمترین زمینه در بحث جهانی شدن<sup>۱</sup> یا به تعبیری جهانی‌سازی می‌باشد. آنچه در جهانی‌شدن مورد توجه است، از میان رفتن یا کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. این پدیده - به زعم بسیاری، از جانب استعمارگران به منظور تداوم استیلای خود و به یغما بردن ثروت‌های دیگر ملل طراحی شده است - تأثیرات زیادی بر بخش‌های مختلف جوامع می‌گذارد.

## جهانی‌شدن

جهانی‌شدن یک فرایند یا یک پروژه؟ این سوالی است که در بررسی نظریات مختلف ارائه شده پیرامون جهانی‌شدن به چشم می‌خورد. جهانی‌شدن؛ چه آن را یک فرایند و چه یک پروژه هدایت شده بدانیم، یک پدیده پیچیده و چند بُعدی است و اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی به فراخور زاویه دید و مباحث مورد نظر در آن رشته‌ها، به ارائه تعاریف مختلفی از این پدیده پرداخته‌اند.

در همین راستا، «پل سوئیزی»<sup>۲</sup> جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است که: «جهانی‌شدن یک وضعیت یا یک پدیده (نوظهور) نیست، بلکه روندی است که برای

مدتی بسیار طولانی جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه‌داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی، پا به جهان گذارد، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تاکنون، جهانی شدن هم جریان داشته است... سرمایه‌داری در کنه و ذات خود، چه از لحاظ درونی و چه از جهت بیرونی یک نظام گسترش‌یابنده است. هنگامی که این نظام ریشه دوانید، هم رشد می‌کند و هم به اطراف خود گسترش و تسری می‌یابد» (مگداف، ۱۳۸۰: ۷). در مقابل این دسته، برخی از متفکران، جهانی شدن را به مثابه یک پروژه یا برنامه طراحی شده توسط کشورهای ثروتمند و توسعه یافته تلقی می‌کنند. چنان که «سیزجی‌هام لینک<sup>۱</sup>» نظر منتقدان جهانی شدن را این‌چنین شرح می‌دهد: «مسأله جهانی شدن یک برنامه سیاسی نئولیبرال است که ابتدا منافع بازیگران قدرتمند را افزایش می‌دهد. میلیون‌ها کشاورز، مهاجر، جوانان، زنان و کارگران شهری که زندگی بسیار فقیرانه‌ای دارند از پیامدهای منفی جهانی شدن آسیب می‌بینند و در اقتصاد جدید جهانی نادیده گرفته شده و به حاشیه رانده می‌شوند» (CEES J. Hamelink, 1999). «مالکوم واترز<sup>۲</sup>» جهانی شدن را چنین تعریف می‌کند: «فرایندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند» (مگداف، ۱۳۸۰: ۱۲).

درباره مفهوم جهانی شدن «جمیز روزه‌نا<sup>۳</sup>» نظریه پرداز مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌المللی معتقد است که «جهانی شدن، فرایندی است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به انجام رفتارهای یکسان، یا شرکت در فرایندها، سازمان‌ها یا نظام‌های فراگیر و منسجم وامی‌دارد» (ستوده، ۱۳۷۹: ۳۳).

1. Cees J. Hamelink
2. Malcolm, Waters
3. James N. Rosenau

"آنتونی گیدنز"<sup>۱</sup> جهانی شدن را مهمترین مولفه مدرنیته متاخر (دور دوم) می‌داند که به زعم وی می‌بایست از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. گیدنز جامعه‌شناسی را علم مطالعه جهانی شدن در این عصر قلمداد می‌کند، اما تعریف گیدنز از جهانی شدن معرف دیدگاه وی نسبت به این پدیده است. گیدنز عقیده دارد «جهانی شدن فرآیند به هم وابستگی روزافزون ماست» (جلایی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۸) بنا به تعریف "نیکولاییتس" جهانی شدن ترکیبی است از طیفی وسیع از عناصر و فرآیندهای متنوع در تعدادی از حوزه‌های کلیدی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی، و فن‌آوری. در زمینه سیاسی، جهانی شدن در نتیجه از میان رفتن حاکمیت دولت‌های ملی و ظهور بازیگران جدید بین‌المللی تصور می‌شود.

گسترش فعالیت‌های کسب و کار شرکت‌های خصوصی مانند شرکت‌های چند ملیتی و شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی؛ به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر نهادهای چند جانبه اقتصادی مانند صندوق بین‌المللی پول و ... قرار دارد.

"نیکولاییتس" نیز ابعاد جهانی شدن را این‌گونه معرفی می‌کند: "گردش بین‌المللی سرمایه، یکپارچه سازی جهانی فعالیت‌های کسب و کار، گردش ذهنیت‌ها، ایده‌ها، اطلاعات، و ارزش‌ها از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، تعمیم فردگرایی و مصرف زدگی به سراسر جهان، تحرک بین‌المللی مردم برای اوقات فراغت، کار و ایده‌ها، اثرگذاری فعالیت‌های انسانی در سیستم جهانی بوم شناختی و محیط زیست، آگاهی عمومی از مسائل، وقایع و خطرات جهانی، ظهور سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و اقدامات سیاسی در فراتر از مرزهای جغرافیایی و با هدایت انجمن‌های بدون مرز" (Nicola Yeats, 2007: 630-631).

برآیند نظریات ارائه شده در باره جهانی شدن از یکسو ما را به این نتیجه می‌رساند که جهانی شدن، مرحله‌ای از مراحل تاریخی زندگی بشری است که در دوره‌های

تاریخی با رویکردهای مکاتب فکری مختلف پیگیری می شده است؛ لیکن مرحله جدید جهانی شدن، توسط نظام سرمایه‌داری برای رسیدن به اهداف خود در حال اجراست، نقش شرکت‌های چند ملیتی که تنها به دنبال کسب سود خود بوده و نقش مؤثر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و روند فراگیر شدن الزامات جهانی، جای ابهامی برجای نمی‌گذارد که توسط نظام سرمایه‌داری در حال پیگیری جدی است. در نقطه مقابل؛ چنانچه تصور کنیم به جای نظام سرمایه‌داری، ایده‌های هر دین و مکتب فکری دیگری - که داعیه جهانی شدن دارد-، فراگیر می‌شد و به صورت جهانی در می‌آمد؛ آیا همین نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مسائل زیست محیطی و اجتماعی کنونی را شاهد بودیم؟

تأثیراتی که جهانی شدن بر زندگی ما بر جای می‌گذارد، تأثیری همه جانبه بوده و می‌توان ادعا نمود که تأثیراتی برگشت ناپذیر است، به عنوان مثال از میان رفتن زبان‌های بومی، مخاطرات زیست محیطی، بیماری‌های جدید و تغییراتی که در سبک زندگی انسان‌ها بر جای می‌گذارد و همزمان با رفع برخی مسائل، خود به ایجاد مسائلی جدید منجر می‌شود که نیازمند تدابیر ویژه خود است.

### ریشه‌های تاریخی جهانی شدن

«اگر چه واژه جهانی<sup>۱</sup> بیش از چهارصد سال قدمت دارد، اما اصطلاحاتی مانند «globalization»، «globalize» و «globalizing» از حدود سال ۱۹۶۰م رواج عام یافته است. مجله اکونومیست در تاریخ ۱۹۵۹/۴/۴ گزارش داد که سهمیه جهانی<sup>۲</sup> واردات اتومبیل ایتالیا افزایش یافت و فرهنگ و بستر نخستین فرهنگ معتبری بود که در سال ۱۹۶۱ تعاریفی برای اصطلاح‌های «globalism» و «globalization» ارائه داد. در

1. global  
2. globalized quota

سال ۱۹۶۲ نشریه «spectator» در شماره مورخ ۱۹۶۲/۱۰/۵ چنین مطرح کرد که مفهوم «جهانی شدن» یک مفهوم گیج کننده است» (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰).

در مورد آغاز شکل گیری «جهانی شدن» اجماع نظری در بین صاحب نظران وجود ندارد. نظرات مطرح شده درباره نقطه آغاز جهانی شدن را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

**الف-** جهانی شدن پدیده ای بسیار قدیمی است و نطفه های آغازین شکل گیری آن به هزاران سال قبل باز می گردد.

بیشتر مردم شناسان بر این باورند که جهانی شدن به زمان خاصی تعلق ندارد و هم زاد با تاریخ بشر است. به عبارت دیگر ظهور جهانی شدن با آغاز شکل گیری اولین اجتماعات انسانی همراه است. (مظفری، ۱۳۷۹: ۶۶۱، کاظمی، ۲۰: ۱۳۸۰).

برخی از اندیشمندان نقطه آغاز پیدایش جهانی شدن را در افکار «دموکریت<sup>۱</sup>» فیلسوف یونانی جستجو می کنند که تقریباً پانصد سال قبل از میلاد مسیح می زیست. این دسته معتقدند که «دموکریت» می دانست که انسان به دلیل صاحب عقل بودن همه جا را همانند خانه خودش تلقی می کند: «برای مرد عاقل همه درهای زمین باز است و جهان سرزمین مادری وجدان های خوب است» (طبری، ۱۳۷۹: ۷). در این راستا برخی از دین پژوهان معتقدند که اغلب ادیان بزرگ آسمانی داعیه جهانی شدن داشته اند و کوشش کرده اند که تمام انسان ها را براساس آموزه های خویش تربیت کنند و مدعی تأمین سعادت برای همه بشر بوده اند.

**ب-** جهانی شدن روندی است که ریشه در پیدایش سرمایه داری دارد. «پرویز پیران» معتقد است که نظام سرمایه داری از آغاز شکل گیری اش سودای جهان شمولی داشته است. این نظام که براساس «منطق درونی<sup>۲</sup>» یعنی انباشت سزیف وار<sup>۳</sup> سرمایه

---

1. Democritus

2. Inner Logic

۳- به کارهایی که با وجود سعی و تلاش بسیار هرگز به آخر نمی رسند کاری سزیف وار می گویند. [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

برای سرمایه‌گذاری مجدد و «نیروی محرکه»<sup>۱</sup> خویش یعنی قانون طلایی کسب سود همواره در حال رشد و گسترش بود سرانجام با وقوع انقلاب در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و نیز فروپاشی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی سابق به سودای نخستین خویش یعنی جهانی شدن دست یازید (علی آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲). «پل سوئیزی» جامعه شناس آمریکایی نیز با این روایت از پیدایش جهانی شدن موافق است: «جهانی شدن یک وضعیت یا یک پدیده (نوظهور) نیست، بلکه یک روند است که برای مدتی بسیار طولانی جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه‌داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه‌انسانی پا به جهان گذارد، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تاکنون جهانی شدن هم جریان داشته است» (مگداف، ۱۳۸۰: ۷).

ج- جهانی شدن پدیده‌ای است که در اثر خاتمه یافتن جنگ سرد فروپاشی امپراتوری شوروی سابق بوجود آمده است. براساس این دیدگاه با فروپاشی شوروی سابق عصر ایدئولوژی‌ها به پایان رسیده است و الگوی «لیبرال دموکراسی» جهانی شده است فرانسویس فوکویاما<sup>۲</sup> معتقد است که: «جهانی شدن پیامد مستقیم جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق است» (مظفری، ۱۳۷۹: ۶۶۱).

جهانی شدن از موضوعاتی است که کاستلز نیز در اثر سه گانه خود آن را ناشی از اشاعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تلقی کرده و معتقد است که پارادایم جدید که چهره جهان را دگرگون کرده با تجدید ساختار سرمایه‌داری و انقلاب فناوری اطلاعات و روابط متقابل این دو شکل گرفته است. سرعت و کارایی این تجدید ساختار در گرو نوآوری‌های تکنولوژیک و دگرگونی در سازماندهی تولید و توزیع در جهت انعطاف‌پذیری هرچه بیشتر بود. وی تاکید می‌کند که بدون فناوری جدید (اطلاعات) یکی از وجوه جامعه جدید یعنی جهانی شدن نمی‌توانست با سرعت و وسعتی که شاهد آن هستیم پیش برود. (پولادی، ۱۳۸۲: ۴۰) کاستلز، جهانی شدن را راهکاری



می‌داند که جهان غرب برای غلبه بر بحران اقتصادی خود بعد از دهه ۷۰ میلادی در پیش گرفته و از این راهکار برای توسعه قدرت خود با مدد گرفتن از فناوری‌های نوین ارتباطی به گسترش دامنه سرمایه‌داری پرداخته است. وی با مقایسه با شیوه‌های پیشین تولید - کشاورزی و صنعت که البته هر دو بر دانش نیز متکی بوده‌اند، می‌نویسد که در عصر جدید، دانش، خود به عنوان محور فعالیت اقتصادی قرار گرفته است و در شیوه نوین توسعه متکی به اطلاعات، منبع تولید، تولید دانش، پردازش اطلاعات، و انتقال نمادها شناخته می‌شود. در همه شیوه‌های توسعه مطمئناً دانش و اطلاعات از عناصر مهم هستند، چون فرایند تولید همواره بر سطحی از دانش و پردازش اطلاعات استوار است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۵).

کاستلز معتقد است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی، شیوه توسعه اطلاعاتی توانست جایگزین شیوه توسعه صنعتی شود. به اعتقاد وی، مؤثرترین عمل تاریخی که پارادایم تکنولوژی اطلاعات را شتاب می‌بخشد، و شکل و مسیر آن را تعیین کرده و شکل‌های اجتماعی وابسته به آن را ایجاد می‌کند، فرایند تجدید ساختار سرمایه‌داری است. مدل کینزی رشد سرمایه‌داری که تقریباً به مدت سه دهه پس از جنگ جهانی دوم رونق اقتصادی و ثبات اجتماعی بی سابقه‌ای برای بیشتر اقتصادها به ارمغان آورد، در اوایل دهه ۱۹۷۰ با دیوار محدودیت‌های ذاتی‌اش برخورد کرد، و بحران آن به شکل تورم افسار گسیخته جلوه‌گر شد. برای مقابله با این بحران‌ها، نظام سرمایه‌داری دست به اصلاحاتی زد و با اتخاذ تمهیداتی با ایدئولوژی نئولیبرال به سمت تغییراتی عمده در مدل اقتصادی حرکت کرد. از نظر کاستلز، این اصلاحات با چهار هدف دنبال شد:

۱- تعمیق منطق سرمایه‌داری کسب سود در روابط کار و سرمایه،

۲- افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه،

۳- جهانی شدن تولید، توزیع و بازارها و استفاده از فرصت‌ها در بهترین شرایط

کسب منفعت در هر جای دنیا که باشد،

۴- هدایت و حمایت دولت‌ها به سمت افزایش بهره‌وری و قدرت رقابت اقتصادهای ملی.

برای انجام این اصلاحات و تضمین سرعت و کارایی این تجدید ساختار، نوآوری تکنولوژیک و دگرگونی سازمانی که بر انعطاف‌پذیری و سازگاری تاکید داشت، کاملاً حیاتی بود. می‌توان گفت که بدون تکنولوژی نوین اطلاعاتی، سرمایه‌داری جهانی واقعیت بسیار محدودی می‌بود. بنابراین اطلاعات‌گرایی به عنوان شیوه توسعه‌ای نوین، با گسترش و بازسازی سرمایه‌داری ارتباط دارد.

«رولاند رابرتسون»<sup>۱</sup> به عنوان کسی که توسعه و گسترش مفهوم جهانی شدن بعنوان یک مفهوم خاص و علمی جامعه‌شناسی بیش از همه مدیون وی است نیز جزء کسانی است که ریشه جهانی شدن را در پیدایش نظام سرمایه‌داری می‌داند: «رابرتسون مسیر جهانی شدن را به صورت یک رشته پنج مرحله‌ای ترسیم می‌کند:

#### ۱- مرحله بدوی یا اولیه (اروپای ۱۷۵۰-۱۴۰۰م)

- تجزیه کلیسا و ظهور جوامع دولت مدار،
- ایجاد تعمیم‌هایی درباره بشریت و فرد،
- نخستین نقشه‌های کره زمین،
- جهان به مرکزیت خورشید،
- تقویم جهانی در غرب،
- اکتشافات جهانی،
- استعمار.

#### ۲- مرحله نخستین (اروپای ۱۷۵۰ تا ۱۸۷۵م)

- دولت- ملت،

- دیپلماسی رسمی بین دولت‌ها،
- شهروندی و گذرنامه،
- نمایشگاه‌های بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های مربوط به ارتباطات،
- پیمان‌های حقوقی بین‌المللی،
- نخستین ملت‌های غیر اروپایی،
- نخستین عقیده‌ها در خصوص بین‌المللی و جهان‌گرایی،

### ۳- مرحله جهش (۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵)

- تعبیر مفهومی جهان در قالب چهار عامل جهانی کننده دولت-ملت، فرد، جامعه‌ی واحد بین‌المللی، و بشریت واحد (مذکر)،
- ارتباطات بین‌المللی، ورزش و روابط فرهنگی،
- تقویم جهانی،
- نخستین جنگ جهانی،
- مهاجرت‌های وسیع بین‌المللی و محدودیت‌های آن،
- افزایش تعداد غیر اروپاییان در باشگاه بین‌المللی دولت-ملت‌ها.

### ۴- مرحله تلاش برای کسب سلطه (۱۹۶۹-۱۹۲۵)

- جامعه ملل و سازمان ملل متحد،
- جنگ جهانی دوم، جنگ سرد،
- مفهوم جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت،
- تهدید جهان با بمب اتمی،
- ظهور جهان سوم (بخشی از جهان).

۵- مرحله عدم قطعیت (۱۹۹۲-۱۹۶۹)

- کشف فضا،
- ارزش‌های فرامادی و گفتمان حقوقی،
- جوامع جهانی بر مبنای تبعیض جنسی (جنسیت)، قومیت و نژاد،
- سیال و پیچیده شدن روابط بین‌المللی،
- شناخت مسائل زیست محیطی جهانی،
- رسانه‌های گروهی جهانی از طریق دستیابی به تکنولوژی فضایی (تلویزیون ماهوره‌ای و غیره) (واترز، ۱۳۷۹: ۷۱-۶۹).

«کایندل برگر» نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی جهانی شدن» معتقد است که «جهانی شدن فقط در سی سال پایانی سده نوزدهم، تقریباً از سال ۱۸۷۰م، و با افزایش تحرک کار و سرمایه در یک مقیاس انبوه شروع شد» (Kindleberger, 2000: 20).

«مالکوم واترز» در خصوص سیر تاریخی پیدایش جهانی شدن سه احتمال ذیل را برمی‌شمرد و در پایان به ابراز نظریه خویش می‌پردازد:

الف) «جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تأثیرات آن رو به فزونی بوده است، اما اخیراً یک شتاب ناگهانی در آن پدیدار شده است،

ب) جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه‌داری همزمان بوده است اما اخیراً در آن شتاب ناگهانی به وجود آمده است،

ج) جهانی شدن یک فرایند متأخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی مانند فراصنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه‌داری همراه است.

به نظر واترز برخی ابعاد جهانی شدن همیشه به وقوع پیوسته است اما تا نیمه هزاره دوم، توسعه این ابعاد پیوسته و منظم نبوده است. جهانی شدن به طور نامنظم، از طریق توسعه امپراتوری‌های مختلف قدیمی، غارت و تاراج، و تجارت دریایی و نیز

گسترش آرمان‌های مذهبی، تحول یافته است. اما در اروپای قرون وسطی، بویژه دورانی که در آن، سرزمین ملی در کانون توجه قرار داشت حرکت فرایند جهانی شدن بسیار کند شده بود. توسعه خطی جهانی شدن که ما امروزه شاهد آن هستیم در قرون پانزده و شانزده یعنی «آغاز عصر جدید» شروع شد» (واترز، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳).

### جهانی شدن از منظر ادیان

به نظر وصالی ادیان از دیرباز ادعای جهانی دارند و همواره برای گسترش دامنه عقیده خود به بیرون از مرزها تلاش می‌کنند. مفاهیم «تبلیغ»، «بشارت» و «انذار» بر همین ایده ناظرند (وصالی، ۱۳۸۶: ۶). اگر بپذیریم که تمام ادیان و پیامبران الهی برای هدایت بشریت - فارغ از قوم و یا منطقه‌ای خاص - از جانب خداوند ماموریت یافته‌اند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ادیان نیز داعیه جهانی شدن داشته‌اند و بنابراین می‌توان پیدایش اندیشه جهانی شدن یا جهانی سازی را به ادیان نیز منتسب نمود.

### دین اسلام

آیه‌های زیادی در قران کریم وجود دارد که می‌توان از آنها اندیشه جهانی شدن دین اسلام را استنباط نمود. هر چند منظور اسلام از جهانی شدن با آنچه در نظریات جامعه شناسان بیان می‌شود تفاوت ماهوی دارد، اما در این زمینه به دو دسته آیه برخورد می‌کنیم که به چند مورد اکتفا می‌شود.

الف) آیاتی که به رسالت جهانی نبی اکرم اسلام (ص) اشاره دارند، مانند:

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»<sup>۱</sup> «ای رسول ما به خلق بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم» در آیه دیگری می‌فرماید: «یا ایها الناس اعبدوا

ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون»<sup>۱</sup> «ای مردم خدایی را پرستید که آفریننده شما و پیشینیان شماست باشد که منزّه شوید» «و ما ارسلناک الا کافه للناس»<sup>۲</sup> «و ما تو را جز برای این که عموم بشر را بشارت دهیم نفرستادیم» «و ما ارسلناک الارحمه للعالمین»<sup>۳</sup> «و ای رسول ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل جهان باشد»

ب) آیاتی که بشارت به تشکیل جامعه جهانی به دست اهل ایمان داده است، مانند:

«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون» «و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد» این آیه اشاره دارد به این نکته که فراگیر شدن حاکمیت بندگان صالح وعده‌ای است برای صالحین و در آیه دیگر شرایط و ویژگی‌هایی صالحین را بیان می‌کند و شرط ایمان به خدا را تضمین کننده حاکمیت بر زمین بیان نموده است. «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا صالحات لیستخلفنکم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنًا...»<sup>۴</sup> «و خدا به کسانی که از شما مؤمنان ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرموده است که در زمین خلافت دهد چنان که امم صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شوند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند و بر همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.»

۱- آیه ۱۲ سوره بقره

۲- آیه ۲۸ سوره سبأ

۳- آیه ۱۰۷ سوره انبیاء

۴ سوره نور آیه ۵۵

## دین یهود و مسیحیت

در انجیل یوحنا، باب ۴۱ آیه ۲۶، باب ۱۶ آیه‌های ۷ و ۱۳، باب ۱۷ آیه ۲، باب ۱۹ آیه ۸ گفته شده که سرانجام روزی خواهد آمد که عیسی (ع)، بار دیگر به سوی آنها، باز خواهد گشت و جهان را پر از عدل خواهد نمود که از این واقعه در کتاب مقدس، به «بازگشت مسیح»، «مسیح گروی»<sup>۱</sup> و «ملکوت خدا» تعبیر شده است. در آیات زیادی از انجیل پیرامون بازگشت فردی با عناوین مختلفی همچون: شیلو، روح راستی، پسر خدا، روح القدس و مانند آنها یاد شده است. همچنین یهودیان نیز در انتظار مصلح بسر می‌برند. آنان معتقدند که روزی «ماشیح»<sup>۲</sup> خواهد آمد و سرزمین بنی اسرائیل یا ارض موعود را به آبادانی خواهد کشاند. (تورات، باب ۱۲، آیه ۵-۱ / کتاب اشعیا، باب ۶۰ آیه ۱۹). آیات زیادی در تورات (عهد عتیق) پیرامون شخصیت «ماشیح» و ویژگی‌های عصر ظهور به چشم می‌خورد. در کتاب «گنجینه‌ای از تلمود»، بیش از ۵۰ آیه پیرامون شخصیت «ماشیح» ذکر شده است که بیانگر توجهی است که آنان نسبت به مسئله حکومت جهانی دارند (گرگانیف، ۱۳۸۲: ۳۵۲).

یهودیان و مسیحیان در مبحث «هزاره گرایی»<sup>۳</sup> بر این باورند که در ابتدای هر هزار سال، احتمال آمدن شخصیتی آسمانی و نجات بخش وجود دارد؛ از این رو و در سال ۲۰۰۰ میلادی یهودیان با دروین‌های مدار بسته، شبانه روز از بیت المقدس فیلم برداری می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند که «ماشیح» از بیت المقدس ظهور خواهد نمود؛ و یا در این سال به نقل یکی از مجلات آمریکایی در نظر خواهی از مسیحیان آمریکا، عده بسیاری از آنان اعلام نموده‌اند که منتظر بازگشت مسیح (ع) در سال ۲۰۰۰ هستند.

1. Messiahism.

2. Mashiah.

3. Millenarianism=Millennialism

## دین زرتشت

زرتشتیان نیز به مانند دیگر ادیان معتقد به آمدن مصلح جهانی هستند؛ آنان بر این عقیده‌اند که تاریخ دارای قدمت دوازده هزار ساله است؛ و آن را به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌کنند. آیات زیادی از کتاب مقدس زرتشتیان و بخشی از دیگر منابع مهم آنان همچون: «جاماسب نامه» به ظهور آخرین «سوشیانس» و ویژگی‌های او پرداخته است.

## جهانی‌شدن در اندیشه سرمایه‌داری

کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری غرب، یکی دیگر از مدعیان جهانی‌شدن نیز در پی جهان‌گرایی و ایجاد حکومت جهانی است. از زمانی که سرمایه‌داری غرب شکل گرفت (از چهار یا پنج سده پیش) یا به عقیده والرشتاین، از قرن شانزدهم میلادی، تسلط نظام سرمایه‌داری بر جهان آغاز شد. از اواخر قرن نوزده، و به ویژه از اوایل قرن بیستم، سرمایه در کشورهای شمال به مرحله‌ی اشباع رسید و انباشت سرمایه، به رکود اقتصادی دامن زد؛ بنابراین، غرب به صدور سرمایه دست زد تا از این طریق، به بازارهای جدید و جویای سرمایه دست یابد، و هم بحران‌های نهفته در درون خود را به کشورهای توسعه نیافته منتقل کند. این فرآیند، سبب رشد دوباره نظام سرمایه‌داری شد. نتیجه این که جهانی‌شدن:

- اولاً ادامه تحولات کلان تاریخ بشر غربی، یعنی تحول انقلاب کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی است؛ و
- ثانیاً تداوم حرکت سرمایه‌داری غرب است؛ ولی پس از پایان جنگ سرد، تهاجمی‌تر شده و رؤیای تسلط بر گیتی را در سر می‌پروراند.



## جهانی شدن در اندیشه مارکسیستی

مارکسیست‌ها با تقسیم تاریخ به کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم و کاپیتالیسم، مدّعی‌اند که بشر با گذر از این مراحل چهارگانه، به مرحله نهایی، یعنی کمونیسم وارد می‌شود که آن، حکومت جهانی با ویژگی‌هایی چون مرام اشتراکی، فقدان دولت و نبود مالکیت است؛ البته آنها پیش از ورود به مرحله آخر تاریخ، مرحله‌ای انتقالی به نام سوسیالیسم را نیز پشت سر می‌گذارند (تاملیسون، ۱۳۸۱: ۲۸).

## نگاهی جامعه‌شناختی به جهانی شدن و اثرات آن

همان طور که پیش از این نیز گفته شد، جهانی شدن در تمام ابعاد و زوایای زندگی تاثیرات عمیقی بر جای گذاشته و خواهد گذاشت، تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی ناشی از جهانی شدن توجه دانشمندان رشته‌های مختلف علمی را به خود جلب نموده و جامعه‌شناسان نیز به فراخور دید خود این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

آنتونی گیدنز جهانی شدن را با توسعه نظام جهانی متفاوت می‌داند. او دو کارکرد متفاوت این دکترین را برمی‌شمرد؛ «نخست آنکه» در سطح فرهنگی، جهانی شدن گرایش به ایجاد آوارگی فرهنگی دارد. اجتماع‌هایی که دارای سلیقه‌ها، عادت‌ها و باورداشت‌های خاصی‌اند و غالباً از مکان‌شان و حتی از محدوده‌های ملی‌شان کنده می‌شوند و تحت تأثیر محیط جدید خود قرار می‌گیرند و نمی‌توانند از تبلیغات و عامه‌پسندی فرار کنند. مدهای لباس، سلیقه‌های موسیقیایی، سینمایی و یا حتی مذهبی، ابعاد جهانی به خود می‌گیرند. «در وهله دوم» جهانی شدن به پا فشاری بر تنوع، جستجو برای کشف دوباره سنت‌های محلی از دست رفته و تأکید بر هویت فرهنگی محلی که در تجدید حیات ملیت‌گرایی‌های محلی و قومیت‌ها به چشم می‌خورد، منجر می‌شود. گیدنز با طرح نظریه ساخت‌یابی می‌کوشد مسائل اجتماعی را در سطح جهانی بررسی

کرده و راه‌حل‌های فراگیر ارائه دهد. بدین ترتیب او از دام تقلیل‌گرایی امور اجتماعی می‌گریزد. به همین دلیل می‌گوید اگر از من در مورد مسائل فقر، خانواده، دموکراسی، حقوق بشر، عقب‌ماندگی و... بپرسید؛ آن را در قالب بررسی پدیده یکپارچگی جهانی پاسخ می‌دهم. وی آنچه را در جامعه‌های خاص می‌گذرد، تنها به ذات آن جامعه نسبت نمی‌دهد، بلکه آن را وابسته به کل جهان می‌داند. گیدنز معتقد است در جامعه‌ای که سنت‌ها و رسوم نفوذ خود را از دست می‌دهند، تنها راه برقراری اقتدار، دموکراسی است. اما؛ چگونه پس از زوال سنت‌ها و رسوم زندگی کنیم؟ چگونه از نو همبستگی ایجاد کنیم؟ چگونه نسبت به مسائل زیست محیطی واکنش نشان دهیم؟ در پاسخ به این نمونه از پرسش‌ها بر ارزش‌های جهان میهنی و محافظه‌کاری فلسفی تأکید می‌کند. محافظه‌کاری فلسفی نگرشی عمل‌گرایانه نسبت به رویارویی با دگرگونی نشان می‌دهد، برای گذشته و تاریخ احترام قائل است، در زمینه محیط زیست اصل احتیاط را به کار می‌بندد و همه این‌ها با پیش فرض مدرنیته کردن صورت می‌گیرند (علی‌راد، ۱۳۸۹).

نکته دیگری که در نظریات گیدنز می‌توان درباره جهانی‌شدن استنباط نمود، نقش پررنگی است که نظام سرمایه‌داری و به طور ویژه کشور آمریکا در این جریان بر عهده دارد و با استناد به آمار و ارقامی که درباره تعدد شرکت‌های بزرگ تبلیغاتی که از ده شرکت بزرگ، نه تای آنها متعلق به آمریکا بوده، نود درصد فیلم‌هایی که در جهان به نمایش در می‌آیند، آمریکایی‌اند یا نه دهم اطلاعاتی که در مخازن اطلاعاتی جهانی ذخیره می‌شود، متعلق به آمریکا بوده و به طور کلی کنترل ارتباطات جهانی تحت نفوذ حکومت فدرال آمریکا و خصوصاً وزارت دفاع آمریکاست، وی از دهکده جهانی به تاراج جهانی تعبیر می‌کند که به دلیل توانایی برتر جوامع غربی در استفاده از ابزارهایی که جوامع فقیر فاقد آنها هستند، جوامع فقیر به استثمار کشیده می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

سوالات و دغدغه‌های طرح شده در نظریات جامعه‌شناسان، مسائلی است که به صورت واقعیت زندگی انسان امروزی درآمده است. هویت‌های دگرگون شده و

دگرگونی فرایند تعیین هویت‌های فردی و اجتماعی، خانواده و حاکمیت سنت‌ها، نابرابری، فقر و شکاف طبقاتی، روابط دولت و ملتها و تغییر تقسیم‌بندی‌های جهانی، جایگاه دموکراسی و حقوق بشر، اوقات فراغت، کار و اشتغال، آموزش، بهداشت و بیماری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و... دچار تغییر شده، هرچند این مسائل ابعادی جهانی یافته و در مواردی ساختار، صورتبندی و نحوه اثرگذاری آن تغییر یافته، لیکن میزان تاثیرگذاری آنها، متناسب با رویکرد، میزان آمادگی مواجهه و نوع رفتار با این مسائل، در مناطق مختلف، متفاوت است.

**اثرات جهانی شدن:** با عنایت به تعاریف جهانی شدن، می‌توان گفت که این فرایند آثار و تبعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی را در پی دارد؛ که اهم آنها عبارتند از:

۱. از بین رفتن مفهوم پیشین زمان، مکان، فاصله و مرزهای جغرافیایی - سیاسی و در نتیجه دگرگونی عمیق در روابط اجتماعی،
۲. تحدید و تهدید حاکمیت « دولت - ملتها »<sup>۱</sup>،
۳. گسترش حقوق بشر و دموکراسی در سراسر جهان،
۴. پیدایش شهرهای جهانی و مفاهیم جامعه مدنی جهانی و شهروند جهانی،
۵. پیدایش نابرابری‌های عظیم اجتماعی (شکاف دیجیتالی یا اطلاعاتی) بین کشورهای شمال/جنوب و نابرابری‌های اجتماعی در درون طبقات مختلف جامعه،
۶. گسترش تروریسم در سطح جهان،
۷. اشاعه ارزش‌های لیبرالی در سطح جهان و ایجاد بحران هویت در کشورهای جنوب که شکاف نسل‌ها و بیگانگی اجتماعی جوانان با ارزش‌های فرهنگی خویش از جمله پیامدهای آن است،
۸. تسهیل حرکت سرمایه و نیروی کار بر فراز مرزهای بین‌المللی،

۹. «مهاجرت پنهان» نیروی انسانی متخصص از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی مانند: شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و شبکه جهانی اینترنت،

۱۰. مهاجرت و فرار نیروهای انسانی متخصص در «فناوری برتر» از کشورهای جنوب به قطب‌های فناوری کشورهای شمال مانند «دره سیلیکون» در کالیفرنیا.

جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف درباره جهانی‌شدن و تنوع این دیدگاه‌ها - که گاه متباین با یکدیگر دیده می‌شوند - درک یکسانی را از تاثیر این پدیده بر موضوع رفاه ایجاد نمی‌کند و آن‌گونه که کلنر می‌گوید «هیچ چیز مانند جهانی‌شدن بخودی خود وجود ندارد و در واقع این مفهوم ما را به درک فرایندهای نامتجانس می‌رساند. همچنین این مفهوم نه تنها مقدس نیست بلکه خنثی است» وی عقیده دارد که هر ملت و کشوری متناسب با بافت محلی، زمینه تاریخی، جغرافیای و فرهنگ آن، تحت تاثیر این پدیده قرار می‌گیرد. در واقع جهانی‌شدن باید با درک درست از سه بُعد اصلی مرتبط با آن یعنی ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن درک شود. "یووت دانییل" می‌نویسد جهانی‌شدن باعث می‌شود فرایندها فراملی شده، فاصله‌ها از میان رفته، مرزهای ژئوپولیتیک تضعیف شده و از طریق برقراری ارتباط سریع با دیگران، همگان تحت تاثیر تمام حوزه‌های فعالیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، قرار گرفته و با روش‌های بسیار پیچیده با یکدیگر مرتبط شوند و علاوه بر این جهانی‌شدن مسلماً پدیده‌ای است که در نتیجه این تعاملات، تغییراتی در قوانین و ثروت‌ها ایجاد خواهد کرد (Yvett e Daniel, 2007). از طرف دیگر برخی از متفکران جهانی‌شدن را پدیده‌ای خنثی تلقی نکرده و زمانی که صحبت از توسعه‌یافتگی به میان می‌آید این پدیده را فرصتی برای کشورهای توسعه‌یافته دانسته تا از این طریق به پیشگامی خود تداوم بخشیده و از شکاف اطلاعاتی که میان آن کشورها و کشورهای توسعه نیافته وجود دارد، به نفع خود حداکثر استفاده را بنمایند.

عاملی نیز به نقل از برگر و هانتینگتون می‌نویسد «البته باید توجه داشت که جهانی شدن روند و فرایند مطلق نیست که دارای اثرات مطلق و حتمی باشد بلکه؛ جهانی شدن فرایندی نسبی است که می‌تواند هم آثاری آرام‌بخش و هم تاثیرات اضطراب‌زا برای جوامع داشته باشد. چیزی که مسلم است، جهانی شدن منفرد نیست بلکه جهانی شدن‌های بسیاری در لایه‌های مختلف تعاملات جهانی در جریان است» (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۵۵). بنابراین در ارتباط با موضوع رفاه اجتماعی و جهانی شدن نمی‌توان تنها از یک بُعد آن سخن گفت و در برخی موارد می‌توانیم شاهد اثرات مثبت و نیکوی جهانی شدن باشیم و در مواردی نیز اثرات منفی آن را شاهد باشیم.

### رفاه چیست و شاخص‌های رفاهی کدام است؟

در این بخش هر چند پرداختن به تمامی شاخص‌های رفاه و بررسی تاثیر جهانی شدن بر آن کاری وقت‌گیر خواهد بود، لیکن به چند موضوع مهم آن می‌پردازیم، ابتدا به شناسایی رفاه، ابعاد و شاخص‌های آن از نگاه اندیشمندان پرداخته می‌شود، سپس نسبت آن با جهانی شدن در برخی شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رفاه و تامین اجتماعی از جمله مفاهیمی هستند که بعد از انقلاب صنعتی و بروز حوادث مرتبط با آن از اواسط قرن هجدهم به بعد مطرح شد (طالب، ۱۳۶۸، ۳۷) بر اساس ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، رفاه و تامین اجتماعی یکی از حقوق اساسی انسان‌ها تلقی شده است. اما مقاوله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار آن را به این صورت آورده است «تامین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد در برابر بیکاری بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده به اعضای خود ارائه می‌دهد (موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی ۱۳۷۸: ۸)

در این معنا سه گروه از راهبردها برای تحقق تامین اجتماعی مطرح می‌شود:

۱. راهبردهای بیمه‌ای شامل: حقوق بازنشستگی، مستمری، از کارافتادگی، مستمری دوران بیکاری، هزینه‌های درمان و بیماری و . .

۲. راهبردهای حمایتی شامل مساعدت‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی به اقشار آسیب پذیر

۳. راهبردهای امدادی: که به برنامه‌ها و اعتبارات دولتی و کمک‌های داوطلبانه و نهادهای مذهبی و اجتماعی متکی است.

در تعریف از رفاه و تدوین شاخص‌های مرتبط با آن، سازمان‌های ملی و بین‌المللی تعریف‌های مختلفی از آن ارائه داده‌اند ولی مسیر دستیابی به آن متناسب با اقتضائات حاکم بر هر کشور متفاوت است. در پرتو جهانی شدن و در نتیجه گره خوردن سرنوشت همه بشر به یکدیگر و گسترش دامنه نظارت در سطح جهانی و فشارهای مختلفی که بر دولت‌ها برای رعایت حقوق انسان‌ها و تامین رفاه آنها وجود دارد، مانع از یکه تازی دولت‌ها شده و هر چند در زمینه نظارت بر دولت‌ها و کشورها نیز تبعیض‌های مختلفی از جانب سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای توسعه یافته اعمال می‌شود، لیکن شاخص‌های رفاه به سمت یکدست شدن و یگانی به پیش می‌رود.

در تعریفی که "دنولین"<sup>۱</sup> و "سورین"<sup>۲</sup> از رفاه ارائه کرده‌اند، رفاه یک نوع حمایت اجتماعی است، برای کمک به افراد نیازمند برای غلبه بر شرایط نامطلوب. هر چند این تعریف بیشتر طبقات ضعیف را در بر می‌گیرد لیکن مسائل وسیعی را پیرامون فقر پوشش می‌دهد. هدف نهایی رفاه اجتماعی خودکفا شدن دریافت‌کنندگان خدمات رفاهی است. آمارتیا سن نیز رفاه را به عنوان حالتی از توسعه اقتصادی می‌داند که در آن توسعه قابلیت‌های بشری در نظر گرفته می‌شود. رویکرد قابلیت در نظریه آمارتیا سن، نه تنها بر رشد اقتصادی بلکه متمرکز بر مردم است. هدف، گسترش آن چیزی است که

مردم قادر به انجام آن باشند. تمرکز بر این محور، مردم را به لذت بردن از یک زندگی سالم، آموزش و پرورش سازنده، معنی‌دار، داشتن شغل، سلامت و امنیت جسمانی، آزادی دموکراتیک و... قادر می‌سازد (Deneulin, Severine: 2009). آمارتیاسن معتقد است که بهبود قابلیت‌های فرد برای افزایش احتمال رسیدن به موفقیت فردی و در نتیجه موفقیت جامعه هم بوده و افزایش آزادی وسیله‌ای برای توسعه است. موضوع محوری «سن» نا آزادی<sup>۱</sup> است که می‌تواند شامل: قحطی، عدم مراقبت‌های بهداشتی و تبعیض جنسیتی باشد. در این راستا، رفاه شرایط لازم برای یک زندگی سالم همراه با توانایی لذت بردن از آزادی‌هایی که ذاتاً در دسترس همه است را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند نیازهای اساسی خود را تامین کنند. سن تاکید می‌کند که اهمیت رفاه برای افراد تهیدست و محروم از مزایای اقتصادی و اجتماعی که نیاز به کمک‌های دولتی دارند بیشتر است (Amartya sen, 1999).

«فیتزیاتریک» نیز در کتاب "نظریه‌های رفاه، سیاست اجتماعی چیست"، چشم‌اندازهای رفاه را شامل این عناوین می‌داند:

۱. شادکامی:

۱،۱- تجربه خاص جسمانی یا روانی نظیر احساس پیروزی در یک مسابقه

۱،۲- حالت خرسندی [خوب بودن یا خوب عمل کردن] احساسی که

هنگام مواجهه با ناراحتی‌ها و شکست‌ها، انسان را سرخورده و غمگین نکند.

۲. تامین<sup>۲</sup>: به معنای پیش آگهی از این امر است که اوضاع و احوال یک فرد در

آینده نزدیک دستخوش نابسامانی نخواهد شد.

۳. ترجیحات: ممکن است ترجیحات یک نفر مغایر با منافع دیگران باشد (سیگار

و هوای سالم).

---

1. unfreedoms

2. security

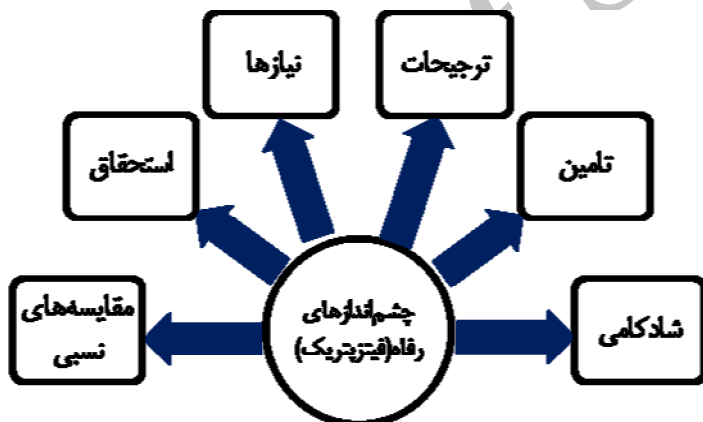
۴. نیازها: نیازهای اساسی، نیازهای غیر اساسی، ترجیحات.

۵. استحقاق: نقطه متعادل بین مشارکت و پاداش قرار دارد.

۶. مقایسه‌های نسبی:

۶-۱- اگر افرادی که می‌شناسیم و دوستشان داریم در رفاه باشند، رفاه ما افزایش می‌یابد.

۶-۲- اگر افرادی که نمی‌شناسیم، سطح رفاه بالایی داشته باشند، احساس رفاه ما کاهش می‌یابد (فیتز پتریک، ۱۹-۲۶).



### رفاه از نظر برخی اندیشمندان

- از نظر جرمی بنتام رفاه مترادف بهره‌مندی یا مطلوبیت بود که آن را به منزله خیر و خوشبختی تلقی می‌نمود.

- از نظر پیگو نیز رفاه به آرزوهای افراد بستگی دارد و آرزوها را می‌توان بر حسب معیارهای پولی اندازه‌گیری کرد.

- از نظر پارتو نیز رفاه به این معنی است که جامعه‌ای بتواند سطح رفاه اعضای خود را بدون اینکه سطح رفاهی عده دیگری در اثر این کار کاهش یابد، افزایش دهد.



- جان راولز نیز رفاه را به مقوله عدالت و اخلاق نزدیک کرده است.
- از نظر راولز جامعه‌ای مطلوب است که توزیع منابع به صورت عادلانه‌تری صورت گیرد توزیع عادلانه از نظر راولز به این معناست که برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد. به نظر او رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه است نه حذف صرف نابرابری (فیتز پتریک، ۳۱-۳۲).
- «نورمن بری<sup>۱</sup>» مفهوم رفاه را در بافت مفهیمی مانند: عدالت، برابری، آزادی و حقوق مطرح می‌کند (بری، ۱۳۸۸: ۶) وی از اندیشمندانی است که وظیفه اصلی رفاه در جامعه را کسب آسایش مردم می‌داند و به نظر وی مفهومی که بیش از همه در فلسفه اجتماعی به طرز غیر قابل تفکیکی به انحصار رفاه درآمده، عدالت است.
- به نظر «بری» دولت رفاه نیز بر حسب یک مفهوم از عدالت که همان عدالت بازتوزیعی است شکل گرفته است (بری، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳).
- از نظر برخی دانشمندان مانند نورمن بروک نیز فلسفه رفاه ارتقای آن چیزی است که به عنوان «مسئولیت کمتر دولت» در موقعیتی به همان اندازه مهم برای حفظ قانون و نظم و استمرار و پیوستگی اجتماعی نامیده‌اند (بری، ۱۳۸۸: ۲۱).
- بررسی بیشتر اندیشه‌های متفکران و محققان ما را به تعاریف متعددی از رفاه می‌رساند که بیان تمامی آنها نه ضرورت دارد و نه به هدف اصلی این نوشتار کمکی می‌نماید. در همین اندازه می‌توان به شناخت نسبی از چپستی رفاه دست یافت. ماحصل این نظریات را در توسعه اجتماعی و برنامه‌های رفاهی دولت‌ها و احزاب و برآیند آن را در گزارش‌هایی که سازمان ملل متحد هر ساله از وضعیت کشورها ارائه می‌دهد، می‌توان دید.
- از سال ۱۹۹۰ نیز هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها در شاخص‌های گوناگونی مانند: شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و...

مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌گیرند. با مطالعه اطلاعات منتشر شده در این گزارش‌ها می‌توان روند جهانی‌شدن و اثرات آن بر حوزه‌های مختلف به ویژه رفاه اجتماعی را دید. در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ آمده است: مردم، یعنی مردان و زنان، که ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. هدف توسعه، خلق شرایطی است که مردم بتوانند در آن از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده‌ای بهره‌مند شوند. انتشار این گزارش کمک می‌کند تا مردم دوباره در مرکز توجه توسعه جای گیرند. (HDR, 1990) گزارش‌های مختلفی که نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد - با وجود این که بعضاً خود تبعیض‌آمیز بوده و با اعمال نفوذ ابرقدرت‌ها دستکاری می‌شوند- هر ساله ارائه داده و وضعیت هر کشور را در مقایسه با دیگر کشورها و یا در قیاس با شاخص‌های مورد توافق، مورد ارزیابی قرار می‌دهند، یکی از شیوه‌های اعمال نظارت جهانی است و دولت‌ها سعی می‌کنند برای کسب وجهه مثبت جهانی حتی‌المقدور در این زمینه اثری مثبت از خود به جای گذارند.

### جهانی‌شدن و تأثیرات اقتصادی آن

در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد، کشورهای با توسعه انسانی زیاد، متوسط و کم تقسیم می‌کنند. (HDR, 2010) براساس آخرین گزارش سازمان ملل که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، ۱۳۵ کشور جهان مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. در این گزارش وضعیت توسعه انسانی از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ و با فاصله ۹۹۰ تا ۲۰۱۰ مورد مقایسه قرار گرفته و نتایج زیر به دست آمده است. نتایج نشان دهنده تفاوت فاحش میان کشورهای برخوردار در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و کشورهای نابرخوردار است که تداوم شکاف موجود میان کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص ترکیبی توسعه انسانی HDI

سنجش موفقیت هر کشور بر اساس سه معیار پایه‌ای توسعه انسانی در بین ۱۳۵ کشور به صورت منطقه‌ای بین سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ و ۲۰۱۰-۱۹۹۰															
شاخص‌های ترکیبی			امید به زندگی (برحسب سال)			شاخص باسوادی			میزان افراد در حال تحصیل			درآمد (بر حسب دلار آمریکا)			
مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر	مقدار	درصد تغییر		
۲۰۱۰	۱۹۹۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۹۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰-۲۰۱۰		
<b>گروه‌های منطقه‌ای</b>															
کشورهای درحال توسعه	۰,۶۲	۵۷	۲۳	۶۸	۲۱	۸	۸۱	۶۱	۲۱	۶۶	۲۸	۲۴	۵,۸۷۳	۱۸۴	۸۹
اتحادیه عرب	۰,۶۶	۶۵	۲۰	۷۰	۳۷	۱۰	۷۴	۱۴۹	۴۱	۶۴	۸۹	۲۲	۸,۶۰۳	۶۶	۴۴
شرق آسیا و پاسیفیک	۰,۷۱	۹۶	۳۵	۷۳	۲۳	۹	۹۴	۷۶	۱۸	۶۹	۷	۳۱	۶,۵۰۴	۱,۱۸۳	۳۵۲
روپا و آسیای مرکزی	۰,۷۵	۱۳	۴	۶۹	۳	۲	۹۷	۷	۲	۸۲	۱۷	۷	۱۱,۸۶۶	۱۲۰	۲۰
آمریکای لاتین و کارائیب	۰,۷۷	۳۲	۱۲	۷۴	۲۴	۹	۹۲	۲۷	۱۰	۸۳	۵۹	۱۶	۱۱,۰۹۲	۸۸	۴۲
جنوب آسیا	۰,۵۷	۷۲	۳۱	۶۵	۳۳	۱۲	۶۶	۱۱۳	۴۶	۵۹	۶۴	۲۹	۳,۳۹۸	۱۶۲	۱۱۹
افریقا	۰,۴۳	۵۳	۲۱	۵۲	۱۹	۷	۶۵	۱۸۳	۴۳	۵۴	۱۰۹	۴۲	۱,۴۶۶	۲۰	۲۸
کشورهای توسعه یافته	۰,۸۹	۱۸	۷	۸۰	۱۳	۶	۹۹	۲	۱	۹۲	۳۳	۱۴	۳۷,۱۸۵	۱۲۶	۳۸
oecd <sup>۱</sup>	۰,۸۹	۱۸	۷	۸۰	۱۳	۶	۹۹	۲	۱	۹۳	۳۳	۱۴	۳۷,۱۰۵	۱۲۵	۳۸
oecd غیر	۰,۸۶	۲۴	۹	۸۰	۱۴	۷	۹۶	۱۳	۶	۷۹	۲۹	۱۰	۴۰,۰۴۳	۲۶۳	۵۸

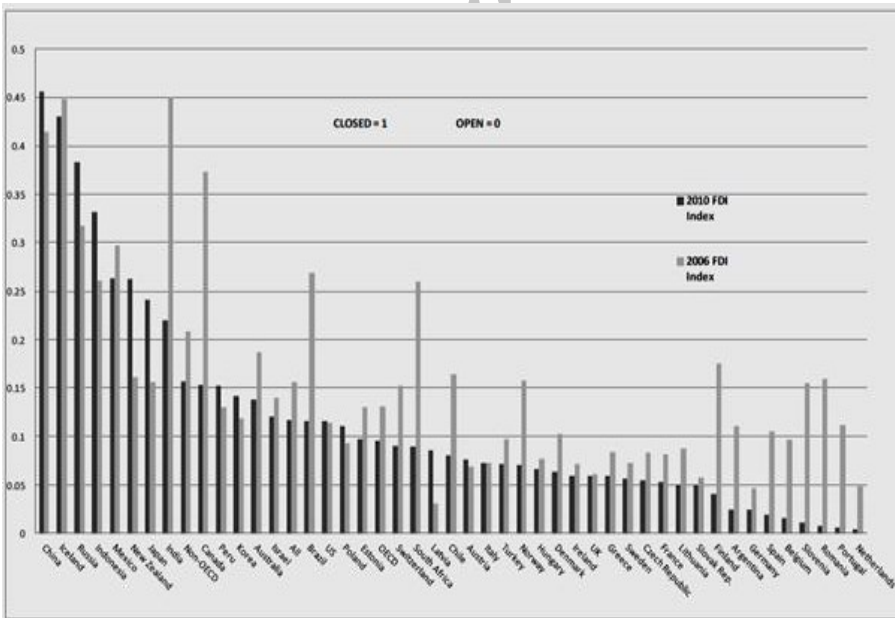
گروه بندی بر اساس میزان توسعه یافتگی منابع انسانی

۱- سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD : سازمان توسعه و همکاری اقتصادی یک سازمان بین‌المللی برآمده از کشورهای توسعه یافته است که اصول حاکی از دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد را قبول کرده‌اند. این سازمان در سال ۱۹۴۸ با عنوان سازمان همکاری اقتصادی اروپا (OECE) آغاز به کار کرد. ریاست این سازمان برعهده شخصی فرانسوی به نام رابرت مارجولین بود که در جهت کمک به اجرای طرح مارشال که هدف آن بازسازی اروپا پس از جنگ جهانی دوم بود، شکل گرفت. بعدها کشورهای غیراروپایی نیز به عضویت آن درآمدند و در سال ۱۹۶۰ نام آن به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی تغییر یافت.

۴۴	۳۳	۱,۴۳۴	۴۳	۹۸	۵۲	۴۸	۱۸۰	۶۳	۱۱	۲۷	۵۵	۲۷	۶۱	۰,۴۴	پایین
۲۳۷	۶۰۶	۵,۰۱۰	۲۸	۲۱	۶۵	۲۴	۷۹	۸۲	۹	۲۵	۶۹	۳۱	۸۳	۰,۶۵	متوسط
۳۵	۹۴	۱۲,۶۱۰	۱۳	۳۸	۸۲	۸	۲۰	۹۳	۷	۱۵	۷۳	۹	۲۴	۰,۷۷	زیاد
۳۸	۱۲۶	۳۷,۱۸۵	۱۴	۳۳	۹۲	۱	۲	۹۹	۶	۱۳	۸۰	۷	۱۸	۰,۸۹	خیلی زیاد
شاخص ترکیبی توسعه منابع انسانی از سال ۱۹۷۰															
۲۵۰	۵۶۰	۴,۳۲۳	۳۳	۲۳	۶۱	۲۹	۹۶	۷۶	۸	۲۲	۶۶	۳۲	۸۲	۰,۶۰	۱ (کمترین)
۵۳	۱۱۰	۷,۳۳۴	۱۶	۵۵	۷۴	۱۵	۵۳	۸۸	۱۱	۳۴	۷۱	۱۶	۵۱	۰,۶۵	۲
۵۴	۱۵۲	۱۴,۴۸۹	۱۶	۳۶	۸۵	۴	۱۱	۹۶	۶	۱۵	۷۵	۹	۲۴	۰,۷۷	۳
۳۶	۱۲۲	۳۴,۵۸۵	۱۱	۲۹	۹۱	۰	۱	۹۹	۵	۱۱	۷۹	۶	۱۶	۰,۸۸	۴ (بیشترین)
میانگین جهانی															
۴۷	۱۰۷	۱۰,۶۴۵	۲۰	۲۶	۷۰	۱۵	۳۹	۸۳	۷	۱۸	۷۰	۱۸	۴۱	۰,۶۸	میانگین جهانی

همان گونه که ارقام جدول ۱ نشان می‌دهد، در تمام شاخص‌های اعلام شده در این گزارش، شکاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، تداوم دارد. نکته دیگر این که روند جهانی شدن - در سال‌های اخیر - برافت تمام شاخص‌ها در تمام نقاط دنیا اثر منفی داشته و روند نزولی این شاخص‌ها را نشان می‌دهد. در مواردی مانند افراد تحصیل کرده که بعضاً ارقام کشورهای توسعه یافته مقادیر کمی را نشان می‌دهد، به دلیل روند یکنواخت این شاخص بوده و خلایی که در کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده وجود دارد، در کشورهای توسعه یافته پیش از این پر شده است. بنابراین به نسبت سایر کشورها، تعداد اندکی از افراد این جوامع از تحصیل جامانده‌اند و بررسی تمام شاخص‌ها نشان می‌دهد در مقایسه سی ساله ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ با ده ساله ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ سرعت رشد این شاخص‌ها در سال‌های دورتر، رشد بهتری را نشان می‌دهد و هر چه جهانی شدن بیشتر محقق شده است، وضعیت جهانی نیز در این شاخص‌ها سیر نزولی داشته است.

بنا به تعبیر ماهاتیر محمد، در بُعد اقتصادی، عده‌ای معتقدند که با رشد جهانی‌سازی، کشورهای فقیر هم می‌توانند در بازارهای جهانی حضور یابند، ولی در صحنه عمل این کشورهای ثروتمند هستند که بدون هیچ محدودیتی توانسته‌اند جایگاه خود را در کشورهای فقیر تثبیت کنند، چرا که جهانی‌سازی کنونی سبب بی‌دفاع شدن کشورهای توسعه نیافته و ناتوانی آنان در حفظ میهن خویش می‌شود، در حالی که در جهانی‌سازی صحیح، این فرایند باید سبب رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه شود. (رضایی و پیشوایی: ۱۳۸۹) در تایید این نظر ماهاتیر محمد می‌توان به نموداری استناد کرد که توسط بانک جهانی منتشر شده و نرخ سرمایه‌گذاری خارجی در آن به نمایش گذاشته شده است و به خوبی تفاوت میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را نشان می‌دهد.



این نمودار نیز بیانگر کاهش سرمایه‌گذاری خارجی از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۰ بوده و نشان می‌دهد به جز کشورهای چین، روسیه، ژاپن، نیوزیلند و اندونزی، بقیه کشورها کاهش قابل ملاحظه‌ای در میزان سرمایه‌گذاری خارجی را داشته‌اند و این موضوع در سایر شاخص‌های اقتصادی نیز تاثیر منفی خود را بر جای گذارده و رفاه عمومی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

### جهانی شدن و نابرابری

از مهمترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ، مساله نابرابری بوده و بسیاری از منازعات بشر نیز در اثر عدالت‌خواهی صورت گرفته است. برت رولینگ<sup>۱</sup> معتقد است: «دعاوی عدالت طلبانه یکی از سرچشمه‌های اصلی جنگ است» (بوتول، ۱۳۶۴، ۱۲). گاستون بوتول در تفسیر سخن رولینگ می‌گوید: «طلب کردن عدالت مطلق، ما را در حالت جنگ دائمی قرار می‌دهد» (همان) مهمترین شعار ادیان نیز که توانسته‌اند عده بسیاری را به خود جلب نمایند نیز جستجوی عدالت و برابری بوده است. عدالت‌طلبی موضوعی بوده که اغلب جنبه سرزمینی داشته و خارج از مرزهای معین جغرافیایی بندرت پیگیری می‌شده است. با فروریختن مرزها، موضوعی بنام نابرابری چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ ماحصل نظریات ارائه شده را می‌توان این گونه بیان کرد که نابرابری که پیش از این محدود به موقعیت‌های سرزمینی بود، جنبه دیگری نیز به آن افزوده شده و علاوه بر جنبه درونی، بُعد جهانی نیز به آن افزوده شده و البته دغدغه دستیابی به شرایط برابر و عادلانه نیز به همان نسبت بعدی جهانی پیدا می‌کند و تلاش برای جهانی برابر نیز که پیش از این به صورت محلی وجود داشت، فراگیری بیشتری پیدا می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که در بُعد جهانی و مناطق مختلف جغرافیایی نیز جهانی شدن به تداوم شکاف میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و توسعه نیافته منجر شده و

روز بروز این شکاف عمیق‌تر نیز خواهد شد. در این میان جریان آزاد اطلاعات به سود کسانی است که امکان بهره‌برداری از جریان آزاد اطلاعات را دارند و این روند جریان یکسویه‌ای را ایجاد می‌کند که تنها کشورهای که دارای زیرساخت لازم از قبیل نیروی انسانی، زیرساخت‌های فنی، قانونی و... هستند، می‌توانند از آن استفاده نمایند. همچنین مواجهه متفاوت کشورها در قبال جریان آزادسازی اطلاعات، سرنوشت‌های متفاوتی را برای آنان رقم خواهد زد.

در همین زمینه کاستلز معتقد است توان اقتصادی و نظامی جوامعی که سعی کنند گردش اطلاعات را کنترل کنند، از بین خواهد رفت (گفتگو با کاستلز: ۵) و جهانی شدن اقتصاد، شکل جدیدی از رابطه میان اقتصاد، دولت و جامعه را ایجاد کرده است. (کاستلز: ج ۱: ۱۳۸۰: مقدمه) موضوع سرمایه‌داری اطلاعاتی یکی از ویژگی‌های عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای را مطرح می‌کند که منجر به افزایش نابرابری و حذف اجتماعی در جهان درهم تنیده شده است (کاستلز، ۱۳۸۱: ج ۳-۹۱).

از بُعد دیگر جهانی شدن نه تنها به تداوم نابرابری‌های پیشین کمک می‌نماید بلکه موجب حذف و نابودی کسانی خواهد شد که نخواهند یا نتوانند در این عرصه حضور داشته باشند و بنابراین عرصه رقابت را به کسانی که اندیشیده در این مسیر حضوری مؤثر دارند، واگذار می‌نمایند. برای تبیین این مفهوم کاستلز از واژه "حذف اجتماعی" استفاده می‌کند و این مفهوم به نظر وی فرایندی است که در چارچوب سرمایه‌داری حق انتخاب کار را از افراد سلب می‌کند. فرایند حذف اجتماعی در جامعه شبکه‌ای با مردم و سرزمین‌ها ارتباط دارد به گونه‌ای که در برخی شرایط، کشورها، مناطق شهرها یا محله‌ها به کلی حذف می‌شوند و کل یا بیشتر جمعیت خود را نیز به این ورطه می‌کشانند. در منطق جدید و مسلط فضای جریان‌ها، جریان‌های ثروت و اطلاعات مناطقی که از دیدگاه سرمایه‌داری اطلاعاتی بی‌ارزش هستند و قدرت‌مداران در آنها دارای منافع سیاسی نیستند، را دور می‌زنند و در نهایت آنها را از زیر ساخت‌های تکنولوژیک که فرصت برقراری ارتباط، نوآوری، تولید، مصرف و حتی زندگی در

جهان امروز را به ما می‌دهند، محروم می‌سازند. در نتیجه این فرایند، جغرافیای حذف و شمول اجتماعی، سرزمینی بسیار نامتعادل را ایجاد می‌کند که بخش‌های بزرگی از مردم را ناتوان می‌سازد و در عین حال از طریق فناوری اطلاعاتی هر چیز و هر کسی را که ممکن است در شبکه‌های جهانی انباشت سرمایه، اطلاعات و قدرت، پدید آورنده ارزش باشد، را با آن سوی مرزهای اقلیمی مرتبط می‌سازد.

جوزف استیگلیتز<sup>۱</sup> «اقتصاددان برنده جایزه نوبل در کتاب خود بنام «تفکر مجدد در مورد معجزه آسیا»<sup>۲</sup> ادعا می‌کند که با حدود ۳۰ سال پیشرفت در رشد سریع، کاهش چشمگیر فقر در این منطقه را باید واقعا نوعی معجزه دانست. به عقیده او هیچ منطقه‌ای دیگر از جهان تاکنون نتوانسته است در چنین مدت کوتاهی تا این حد انباشت سرمایه داشته باشد و در کنار آن توانایی جذب سرمایه‌گذاری مناسب را نیز فراهم آورد. وی در مورد جهانی شدن معتقد است که این روند نیروی قدرت‌مندی برای کشورهای چینی و دیگر کشورهای آسیای شرقی محسوب می‌شود که می‌توانند از امتیازات آن به نفع خود استفاده نمایند و برنامه‌های خود را مدیریت کنند اما از طرف دیگر فرایند جهانی شدن می‌تواند خطری علیه منافع فقرا نیز باشد. وی می‌گوید؛ بعید است که جهانی شدن توان کمک و یاری به کشورهای در حال توسعه را داشته باشد. بنابراین اصلاحات موردنظر در این فرایند باید به گونه‌ای طراحی گردد که برای جمعیت فقیر دنیا کارساز باشد. خلاصه نظرات این اقتصاددان ارشد بانک جهانی در این زمینه را می‌توان چنین خلاصه نمود:

الف- در کشورهای در حال رشد، ثروتمندان در جامعه به علت فقدان قوانین جانبی، حداکثر استفاده را می‌برند و خیلی بیشتر از سهم خود به سود می‌رسند و بسیاری از درآمدهای آنها به هزینه فقرا افزوده می‌شود.



ب- سیاست‌های اقتصادی خاص از جمله سیاست‌های یکسان‌سازی جهانی منجر به رشد و ارتقای سطح زندگی طبقه فقیر نمی‌گردد. به‌طور نمونه چین و کشورهای آسیای شرقی که در سیاست‌های اقتصادی خود از آمریکا پیروی نمی‌کنند از موفق‌ترین کشورها در این زمینه می‌باشند، هرچند که سیاست‌های تجاری و صنعتی خود را در ارتقای سطح صادرات و انتقال تکنولوژی برخلاف توصیه‌های مؤسسات اقتصادی بین‌المللی انجام داده‌اند.

ج- استناداتی وجود دارد که آزادسازی سرمایه‌ها باعث افزایش بی‌ثباتی اقتصادی می‌گردد که خود این مسئله فقر و عدم امنیت را به دنبال دارد.

د- با آزادسازی تجارت و انتقال بخش‌های تولیدی کم‌بازده به بخش‌های صادراتی پر بازده، به بیکاری کارگران افزوده می‌شود که در این صورت، نه تنها رشد باعث ارتقای سطح زندگی فقرا نمی‌شود بلکه سطح فقر را هم در جامعه افزایش می‌دهد.

ه- در فرایند جهانی‌شدن نیاز به اتخاذ سیاست‌هایی است که در درازمدت باعث ارتقای سطح رشد و کاهش فقر می‌گردد.

«ادواردو آنی نات»<sup>۱</sup> «معاون مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول» در سال ۲۰۰۳ نگاهی دوسویه به موضوع دارد و معتقد است جهانی‌شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در سراسر دنیا میسر می‌شود و موجبات رفاه و سعادت بیشتر مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌سازد. اکنون مشخص شده است که جهانی‌شدن نقش بسزایی در آینده بشر امروزی دارد اما هیچ تضمینی وجود ندارد که همگان به یکسان از مزایای این پدیده بهره‌مند شوند (ساعی، ۱۳۸۷).

در تحقیقی که در مورد اقتصاد کشورهای جنوب شرق آسیا و تاثیر جهانی‌شدن و رشد اقتصادی بالای این کشورها در سال‌های اخیر بر آن به رشته تحریر درآمده است،

عنوان می‌گردد؛ که در همه کشورهای آ.سه.آن، نابرابری درآمد بیش از ژاپن و کره است. رشد اقتصادی بالای تایلند نزدیک به ۶۰ درصد ثروت را در اختیار ۲۰ درصد مردم قرار داده است. ارقام اخیر در سنگاپور، مالزی و تایلند نشان می‌دهد که بیش از یک سوم کل درآمد در اختیار ده درصد از ثروتمندترین مردم است. این توزیع نابرابر درآمد گویای اختلافات اجتماعی و اقتصادی حاد بین نژادها، طبقات و نواحی است که طی چند دهه رشد سریع اقتصادی، نه تنها کاهش نیافته بلکه بدتر نیز شده است (Booth, 1995: 43).

### جهانی شدن و اشتغال

فرایند جهانی شدن، پیامدهای مثبت و منفی فراوانی دارد. همان طور که باعث افزایش کارایی و بهره‌وری، دسترسی به سرمایه، دسترسی سریع‌تر به تکنولوژی و نوآوری‌ها و تشدید رقابت می‌شود، اما از آنجا که این فرایند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر روی کشورها گذاشته و بازارهای مختلفی از جمله بازار کار را متحول می‌کند، می‌تواند روی سطح و ساختار اشتغال، ترکیب شاغلان، دستمزد نیروی کار، رفاه کارگران، نابرابری دستمزدها، کارایی و بهره‌وری نیروی کار، مهاجرت کارگران، تقاضا برای نیروی کار ماهر و غیرماهر و موقعیت کار کارگران اثر بگذارد، بنابراین نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی را در حوزه اشتغال به ویژه در کشورهای درحال توسعه ایجاد کرده است، زیرا که امروزه بیشتر کشورهای درحال توسعه با رشد فزاینده نیروی کار مواجه هستند.

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که کل نیروی کار کشورهای درحال توسعه از حدود ۱.۲ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۰ به ۴.۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ رسیده و به حدود ۳ میلیارد نفر در پایان ربع اول قرن ۲۱ خواهد رسید. کشورهای درحال توسعه باید سالانه بیش از ۳۰ میلیون شغل جدید ایجاد کنند تا تعداد کل بیکاران در سطح فعلی ثابت بماند (ابریشمی و دیگران، ۱۳۹۰).

در همین زمینه «ادی لی»<sup>۱</sup> و «مارکو ویوارلی»<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان تاثیر اجتماعی جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه می‌نویسند: "این نکته که سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم و اعتقاد به آزاد بودن تجارت - که توسط برخی مدافعین جهانی شدن تبلیغ می‌شود، و به زعم خود خیال می‌کنند جهانی شدن باعث ایجاد اشتغال و کاهش نابرابری در داخل کشورهای در حال توسعه خواهد شد - صرفاً تصور خوش بینانه است که هرگز تحقق نخواهد یافت.

جمع بندی نظرات این دو را می‌توان به طور خلاصه این گونه بیان کرد:

- اثر جهانی شدن در بخش اشتغال می‌تواند در نقاط مختلف جهان بسیار متنوع باشد و می‌تواند به متمرکز شدن سرمایه در برخی نقاط و به حاشیه راندن برخی کشورهای دیگر منجر شود.

- افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از عوامل اصلی افزایش نابرابری درآمدی در بین کشورهای در حال توسعه - داخل کشورها - به شمار می‌رود.  
- واردات کالاهای سرمایه‌ای ممکن است خود حاکی از افزایش نابرابری در درون آن جوامع باشد.

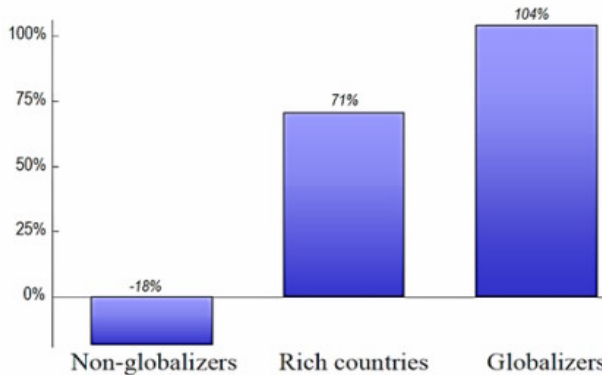
- هر چند به نظر می‌رشد افزایش تجارت جهانی برای تقویت رشد اقتصادی و کاهش فقر مطلق صورت می‌گیرد، لیکن این پدیده به نتایج معکوسی منجر می‌شود (Eddy Lee, Marco Vivarelli, 2006).

در تایید این مطلب، گزارش سازمان بانک جهانی نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته در شرایط جهانی شدن اقتصاد، همچنان پیشتاز هستند و کشورهای عقب مانده نیز نه تنها بهبودی در شرایط آنها ایجاد نشده، بلکه شرایط بدتری را تجربه کرده و یا هم اکنون نیز در آن شرایط عقب ماندگی قبلی قرار دارند.

## جهانی شدن و وضعیت اقتصادی کشورهای مختلف

در فرایند جهانی شدن تمامی کشورهای جهان وضعیت کاملاً یکسانی نخواهند داشت و همان گونه که پیش از این نیز گفته شد، نابرابری برای مناطقی که نتوانند خود را به کشورهای توسعه یافته نزدیک کنند در شرایط جدید نیز ادامه خواهد داشت. در نمودار ۲ وضعیت کشورها در سه گروه مختلف شامل کشورهایی که به گردونه تجارت جهانی شدن وارد نشده‌اند، کشورهای ثروتمند و کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی شامل کشورهایی که به عرصه تجارت جهانی وارد شده و جلودار هستند و به صورت یکسویه از منافع جهانی شدن استفاده می‌نمایند، در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که سهم عمده تجارت جهانی در دست همین قدرت‌های بزرگ باقی‌مانده و سهم کشورهای عقب افتاده، منفی شده است.

Increase in trade/GDP: 1970s to 1990s

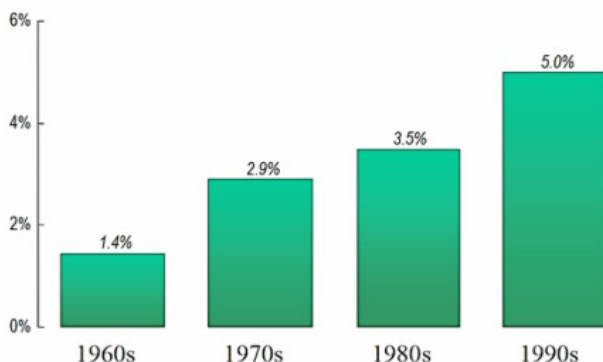


نمودار ۱- وضعیت تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان منبع: (Worldbank. RR: 12-12)

در نمودار ۳ روند این وضعیت برای کشورهای توسعه یافته به خوبی نمایش داده

شده است که روند افزایشی را تا دهه نود تجربه کرده‌اند. البته لازم به یادآوری است که

با بحران اقتصادی اخیر تغییرات زیادی در این نرخ به وجود آمده است و کشورهای ثروتمند نیز در این شاخص‌ها دچار افت شده‌اند. (همان)



نمودار ۴- رشد شتابان جهانی شدن از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۹۰

شیرودی - یکی از محققان کشورمان- به نقش شرکت‌های چند ملیتی در این زمینه اشاره دارد که به عنوان ابزاری برای گسترش توان اقتصادی کشورهای مبدا خود عمل می‌کنند. در این زمینه می‌نویسد یکی از بارزترین ویژگی‌های جهانی شدن، ظهور شرکت‌های عظیم و غول پیکری است که در اقتصاد ملی همه کشورهای جهان فعالیت می‌کنند و بر آنها تأثیر می‌گذارند. این شرکت‌ها، به چنان قدرتی دست یافته‌اند که دیگر نمی‌توان از اقتصاد ملی سخن گفت. به علاوه، شرکت‌های فراملیتی قدرت آن را دارند که برخی از دولت - ملت‌ها، به ویژه کشورهای ضعیف جهان سوم را نادیده بگیرند. با این وصف، این شرکت‌ها به غلط، ابزاری برای تسریع در روند جهانی شدن، بویژه در کشورهای جهان سوم به شمار می‌روند. تنها بزرگ بودن مالی و سازمانی این شرکت‌ها نیست که اهمیت دارد، مهم این است که آنها به راحتی می‌توانند سرمایه خود را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل نمایند و کالاهای خود را در هر جا که بخواهند، عرضه کنند، به همین جهت، بازارها یک ویژگی جهانی پیدا کرده‌اند. همچنین شرکت‌های

چندملیتی، تنها بخشی از فناوری را به جهان سوم منتقل می‌کنند که در صورت لو رفتن، به اصل آن فناوری که در اختیار غرب است، لطمه‌ای وارد نشود. به‌علاوه، بکارگیری فناوری سرمایه طلب نه کارگر طلب غربی، بحران بیکاری را تشدید می‌کند. به هر روی، این فناوری را در غیاب شرکت چند ملیتی نمی‌توان به کار انداخت. فناوری سرمایه طلب، تنها قادر است مشاغل کمی را ایجاد کند؛ در حالی که بخش‌های کارگر طلب، از ظرفیت بیشتری در این زمینه برخوردارند. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۱ تا ۳۲).

### جهانی‌شدن و امنیت اجتماعی

جهانی‌شدن جرم و جنایت یکی از ابعادی است که در نتیجه آن، امنیت جهانی مورد تهدید قرار گرفته و طیف وسیعی از جرایم که پیش از این تنها در مناطق خاصی وجود داشت و امکان کنترل آن نیز ساده تر بود، اکنون دامنه جهانی پیدا کرده و اراده جهانی هم برای مقابله با آن ناتوان می‌نماید. از آن جمله قاچاق انسان، قاچاق مهاجران، معاملات غیر قانونی هروئین و کوکائین، جرایم اینترنتی، دزدی دریایی و قاچاق منابع زیست محیطی، قاچاق اسلحه و کالاهای تقلبی نمونه‌هایی از جرایمی است که در نتیجه سودآور بودن آنها و فراموشی شدن جنایتکاران، افزایش چشمگیری یافته است و روز به روز در حال فزونی است. امانوئل کاستلز<sup>۱</sup> وقتی در موضوع اقتصاد جنایی، زمانی که صحبت از موضوع نابرابری و تاثیر جهانی‌شدن بر آن را مطرح می‌کند، مفهوم "فرایند حذف اجتماعی" را بیان نموده که در نتیجه‌ی ناکارآمدی سیاست‌های ترمیمی‌انسجام اجتماعی، فرایندی ظهور می‌یابد که ویژگی برخی از شکل‌های مناسبات تولید در سرمایه‌داری اطلاعاتی است و کاستلز از آن به "پیوند منحنی" یاد می‌کند. این واژه به فرایند کار در اقتصاد جنایی اشاره دارد. منظور از اقتصاد جنایی، فعالیت‌های درآمدزایی است که از لحاظ هنجارهای اجتماعی جرم محسوب می‌شود و در یک

بافت نهادی معین شایسته تنبیه است. کاستلز مهم‌ترین ویژگی سرمایه‌داری اطلاعاتی را تشکیل اقتصاد جنایی جهانی می‌داند که وابستگی متقابلی با اقتصاد رسمی و نهادهای سیاسی دارد. وی درباره بخش‌هایی از جمعیت جهانی که از نظر اجتماعی حذف شده‌اند، می‌گوید؛ این افراد و گروه‌ها به همراه افرادی که راه‌های سودآور ولو خطرناکی را برای گذران زندگی انتخاب کرده‌اند، دنیای تبهکارانی را تشکیل می‌دهند که جمعیت آن هر روز فزونی یافته و به یکی از ویژگی‌های اصلی پویایی اجتماعی در بیشتر کشورهای جهان تبدیل شده است (کاستلز، ۱۳۸۱: ج ۳: ۹۴-۹۶). از مناطق عمده‌ای که به نظر از نظر اجتماعی حذف خواهند شد، وی قاره آفریقا را نام می‌برد که در ربع آخر قرن بیستم با ظهور سرمایه‌داری اطلاعاتی و با سقوط اقتصاد کشورهای آفریقایی، فروپاشی بسیاری از دولت‌های این قاره و در هم شکستن بیشتر جوامع آن همزمان شده است و در نتیجه قحطی، بیماری‌های همه‌گیر، خشونت، جنگ داخلی، قتل عام، مهاجرت دسته جمعی، هرج و مرج اجتماعی و سیاسی به ویژگی‌های بارز این سرزمین تبدیل شده‌اند. وی می‌کوشد تا چگونگی تعامل میان اقتصاد، فناوری، جامعه و سیاست را در شکل‌گیری فرایندی که انسانیت را از مردم آفریقا دریغ داشته توضیح دهد و این که چگونه این تعامل، انسان‌ها را از انسانیت تهی می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

بنا به گزارش «دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم» سازمان ملل متحد سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> در ربع قرن گذشته (یعنی از زمان پایان جنگ سرد)، کشورهای جهان در همگام شدن با مولفه‌های حاکم بر جهانی‌شدن اقتصاد، شکست خورده‌اند. گسترش بی سابقه تجارت، گردش مالی، مسافرت و ارتباطات موجب رشد اقتصادی و در نتیجه رفاه گردیده است و این امر فرصتی بی‌نظیر در اختیار مجرمان فرصت‌طلب برای رونق کسب و کار خود گذاشته است در نتیجه جنایات سازمان یافته متنوع شده، ابعاد جهانی پیدا کرده و ابعاد اقتصادی کلان به خود گرفته است.

- قاچاق محصولات غیرقانونی از یک قاره به قاره‌های دوم و سوم به گردش درآمده و به بازارها عرضه می‌شود. این انتقال توسط نظام مافیایی صورت می‌گیرد که مواجهه با آنها دشوار بوده و در ابعاد فراملی تهدیدی برای امنیت جهانی به خصوص برای جوامع فقیر، جرم خیز و جنگ زده محسوب می‌شوند.

- گسترش فساد و پیوند این کسب و کار متنوع با سیاست، مانع توسعه بوده و علاوه بر این که به تضعیف حکومت‌ها منجر می‌شود، باعث قدرت بخشی به کسانی می‌شود که خارج از دایره قانون عمل می‌کنند و می‌توانند امنیت منطقه‌ای و جهانی را به خطر اندازند. در گزارش این دفتر نمونه‌هایی از جرایم سازمان یافته به شرح زیر آورده شده است:

○ گسترش خشونت در مرکز آمریکا، کارائیب و غرب آفریقا بوسیله کارتل‌های مواد مخدر،

○ تباری بین شورشیان و گروه‌های جنایتکار (در آفریقای مرکزی، ساحل عاج و جنوب شرق آسیا) و تقویت تروریسم و غارت منابع طبیعی،

○ گسترش قاچاق مهاجران و برده داری مدرن از شرق اروپا به جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین،

○ کنترل برخی از مناطق شهری توسط باندهای سازمان یافته،

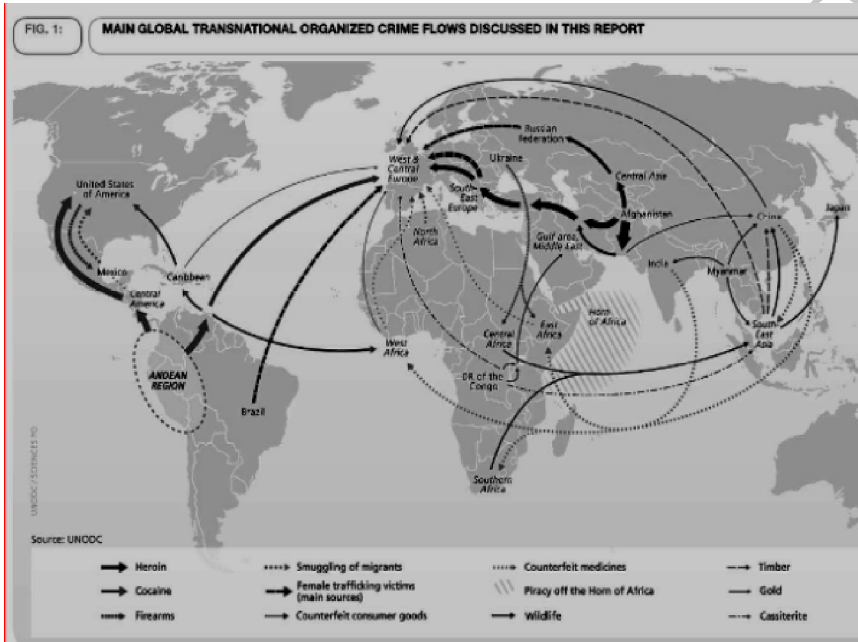
○ تهدید امنیت کشورها و زیر ساخت‌های حیاتی از طریق جرایم اینترنتی، تقلب و سرقت هویت افراد و ... ،

○ دزدی دریایی توسط فقیرترین کشورهای جهان (شاخ آفریقا) از کشتی‌های ثروتمندترین کشورها،

این گزارش نتیجه گیری می‌کند که توزیع کالاهای تقلبی باعث به مخاطره افتادن زندگی بسیاری از افراد شده و پول شویی و فساد بانکی و فساد در دستگاه قضایی به طرز غیر قابل کنترلی درآمده است. نکته قابل توجه این گزارش این است که منشا و



مسیر تمرکز بیشتر این کالاهای قاچاق در کشورهای ثروتمند- نظیر جی ۸<sup>۱</sup> - بوده است. در نقشه زیر نقاط جرم خیز جهان و نوع جرم و مسیر انتقال آن به سایر نقاط جهان به خوبی نشان داده شده است.



نقشه ۱- نقاط جرم خیز و مسیر مبدا و مقصد جرایم بین‌المللی سازمان یافته

همان گونه که این نقشه نشان می‌دهد، جهانی‌شدن که در اثر گسترش و تسهیل ارتباطات اتفاق افتاده است، به تسهیل گسترش جرایم بین‌المللی منجر شده و نه تنها جابجایی محموله‌های قاچاق تسهیل شده بلکه تولید داروهای غیر مجاز، ساخت و تکنولوژی تولید انواع مواد مخدر و محرک، بمب و شیوه‌های تخریب و ... نیز به

۱- گروه هشت (G8) از هشت کشور صنعتی جهان تشکیل شده‌است که ۶۵٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. سران کشورهای این گروه هر ساله یک گردهمایی مشترک با هم دارند. کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا، روسیه و کانادا این هشت کشور را تشکیل می‌دهند.

سهولت از طریق اینترنت در اختیار مجرمان قرار گرفته و ردیابی این امر کنترل آن را برای نیروهای انتظامی نیز دشوار نموده است.

### جهانی شدن و کاهش تاثیر سیاست‌های داخلی

یکی از تاثیرات مهمی که جهانی شدن بر جای می‌گذارد، محدود شدن دامنه نفوذ حکومت‌ها در بخش‌های مختلف داخلی خود است و این موضوع چند بُعدی بوده و دارای فایده و ضرر توأمان است. از طرفی به سهم شدن تمام انسان‌ها در سرنوشت یکدیگر و کم‌رنگ شدن دامنه اعمال قدرت کشورهای دیکتاتور منجر شده و از طرف دیگر آنها را تابع سیاست‌های جهانی قرار داده که غالباً دیکته شده توسط کشورهای ثروتمند و یا نهادهایی است که زیر نفوذ این کشورها قرار دارند.

همچنین می‌توان به جهانی شدن مسائل اساسی بشری اشاره کرد که در نتیجه جهانی شدن اتفاق افتاده است. به عنوان مثال می‌توان از موضوع محیط زیست نام برد که به نظر گیدنز در دنیای کنونی محیط زیست به عنوان مسئله اصلی سیاستگذاری اجتماعی درآمده است به نحوی که راست و چپ سیاسی بر سر حل آن وفاق دارند (گیدنز، ۱۳۸۲). از مقوله‌های دیگر که هر کدام به نحوی به عنوان مسئله جوامع در آمده است عبارتند از: سیاستگذاری برای جوانان؛ دادن نقش‌های مهم‌تر در اقتصاد، حقوق، و جامعه به زنان؛ اهمیت دادن به سازمان‌های غیردولتی برای اجرای سیاستگذاری اجتماعی جامعه محور بجای دولت محور؛ سیاستگذاری برای انواع روبه رشد خانواده؛ و غیره که علی‌رغم خواست دولت‌ها و بی‌توجهی به برخی از این مسائل، فشارهای بین‌المللی و گروه‌های فشار باعث انعطاف بیشتر دولت‌ها در برخورد با این مسائل شده که این ناشی از سیاست‌های کلان بین‌المللی است.

## اثرات جهانی شدن بهداشت در کشورهای در حال توسعه

مساله بهداشت، سلامتی، بیماری‌ها و مراقبت‌های بهداشتی... از شاخص‌های عمده رفاهی و از موضوعاتی است که به دلیل ارتباط مستقیم آن با سلامتی انسان‌ها بیشترین حساسیت در مورد آن وجود دارد و به نظر می‌رسد، توافق همگانی برای همکاری در این زمینه بیشتر از بقیه موارد باشد. جهانی شدن و تعبیر جهان به یک دهکده، در این مورد مصداق واقعی یافته به گونه‌ای که انتقال بیماری‌ها در کمترین زمان ممکن صورت می‌گیرد و سایر مسائل بهداشتی نیز جنبه جهانی یافته‌اند و اقدامات جهانی را برای مقابله با آن، برانگیخته‌اند. هر چند کسانی که خود بیشترین نقش را در تهدید این عامل دارند، غالباً کمترین میزان مسئولیت‌پذیری را داشته‌اند، از آن جمله می‌توان به عدم امضا و پایبندی به پیمان کیوتو در مورد کاهش مصرف انرژی فسیلی در مقابله با گرم شدن درجه حرارت کره زمین توسط ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. یکی از پیامدهای مهم جهانی شدن و گسترش ارتباطات طرح مسائل جدیدی است که در حوزه سلامتی و بهداشت باعث نگرانی جامعه جهانی شده‌اند. پیدایی بیماری‌های جدید، سرعت انتقال و سرایت آن به دیگر نقاط جهان، ارتباط این موضوع با مساله تروریسم و سرایت عمدی برخی بیماری‌ها برای کشتار هدفمند، نابرابری کشورها در مقابله با بیماری‌ها و... از مهمترین مباحثی است که تحت تاثیر جهانی شدن قابل بررسی است.

«کلی لی» در مقاله‌ای به ارتباط بین جهانی شدن و بیماری‌های مسری پرداخته و به میزانی که جهانی شدن ممکن است به گسترش بیماری‌های مسری کمک نموده باشد، پرداخته است. بر اساس نوشته‌های این پژوهشگر، بیماری‌های مسری مدتی طولانی است که فراگیر شده‌اند؛ لیکن مراحل مختلفی از جهانی شدن این موضوع وجود دارد. وی نقطه شروع جهانی شدن پدیده سلامت را [از دهه ۶۰] می‌داند و جهانی شدن اقتصاد که از دهه ۱۹۸۰ شروع شده را در تسریع این امر مؤثر می‌داند. لی استدلال می‌کند که الگوهای اپیدمیولوژی مشخصی در دهه‌های اخیر برای برخی از بیماری‌ها وجود دارد.

وی نشان می‌دهد که جهانی‌شدن، در شکل کنونی باعث تقویت این امر شده و حتی به‌ایجاد اشکال جدیدی از بیماری‌ها منجر شده و علاوه بر این نابرابری بهداشتی در جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است.<sup>۱</sup> وی با استناد به پژوهش‌های روبرتسون در باره جهانی‌شدن و بهداشت، تاریخ جهانی‌شدن مسائل بهداشتی را از قرن ۱۵ دانسته و از زمانی که کریستف کلمب قاره آمریکا را در سال ۱۴۹۲ کشف نمود، به عنوان نقطه شروع جهانی‌شدن بیماری‌ها و شیوع بیماری‌های همه گیر یاد می‌کند. در آن زمان بیماری‌هایی مانند: طاعون، تیفوس، آنفلوانزا که از طریق تجارت زمینی به اروپا راه یافته بودند، از طریق دریا به قاره جدید راه یافتند و برعکس آن، بیماری‌هایی مانند سیفلیس نیز از طریق دریا به وسیله مکشغین از آمریکا به اروپا شیوع پیدا کرد. از زمانی که اروپاییان بیمارهایی مانند سرخک، طاعون، آبله و فلج اطفال را به آمریکا انتقال دادند، تجارت برده نیز باعث انتقال بیماری‌هایی مانند: بیماری‌های روده‌ای (کرم روده)، بیماری مسری و عفونی حاصله در اثر اسپیروکتی، فیلاریازیس<sup>۲</sup>، مرض جذام، شیستوزومیاز<sup>۳</sup> و مالاریا به آمریکا گردید؛ وی این زمان را به عنوان نقطه شروع جهانی‌شدن بیماری‌ها قلمداد می‌نماید. در ادامه به شکل نوین جهانی‌شدن بیمارها پرداخته و اثرات جهانی‌شدن بر بیماری‌های واگیردار را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

«کلی» مرحله کنونی جهانی‌شدن بیماری‌ها را برخلاف برخی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان نه از دهه ۸۰ بلکه از دهه ۱۹۶۰ دانسته و وسعت جغرافیایی آن را نه

### 1. Kelley Lee

۲- *Filaria* نوعی بیماری انگلی مناطق گرمسیر است که از نوعی کرم شبیه نماتود به نام فیلاریا (*Filarioidea*) منشا می‌گیرد.

۳- *Schistosomiasis* یا تب حلزون گاه یک بیماری شغلی در روستاها می‌باشد و در افرادی که بعلت شغل (کشاورزی، ماهیگیری، شالیکاری) یا بدلیل نبود آب بهداشتی، برای شستشو و حمام، از آب غیر سالم استفاده می‌کنند دیده می‌شود. عامل بیماری، انگلی بنام شیستوزوما از خانواده ترماتودها می‌باشد. هرچند میزان مرگ‌ومیر این بیماری اندک است ولی به عنوان یک بیماری مزمن به خصوص در کودکان می‌تواند آسیب‌های گوناگونی را ایجاد کند.

ناحیه‌ای خاص بلکه سراسر جهان می‌داند. وی فراوانی و شدت تعاملات انسانی را باعث افزایش سرعت انتقال بیماری‌ها دانسته به گونه‌ای که تغییرات بیماری‌ها در هر نقطه از دنیا می‌تواند در کمترین زمان، اثر خود را بر جامعه انسانی در هر جای دیگر جهان بگذارد و این موضوع مرحله جدید جهانی‌شدن بیماری‌ها را متمایز از اشکال پیشین آن کرده است. علاوه بر فراگیری که در بیماری‌ها و سرعت انتقال آنها از یک نقطه به دیگر نقاط در نتیجه‌ی جهانی‌شدن اتفاق می‌افتد، تاثیرات دیگری نیز سیستم‌های بهداشتی کشورها از جهانی‌شدن پذیرفته‌اند که در جای خود قابل توجه است. شواهدی از تغییر در ماهیت برخی از عوامل عفونت‌زا وجود دارد که می‌تواند با جهانی‌شدن در ارتباط باشد. در شرایط کلی، جهانی‌شدن در شکل کنونی آن، در حال اعمال فشار بر دولت‌ها برای پیوستن به سیستم جهانی و یکپارچه سازی و رقابت در درون یک سیستم اقتصاد جهانی است. این رقابت فشرده و تلاش برای کاهش هزینه دولت‌ها، در برخی کشورها به کاهش هزینه‌های بهداشتی مراقبت‌های درمانی انجامیده و یا خواهد انجامید. محدود شدن خدمات بهداشتی و خارج شدن برخی از موضوعات از سرفصل‌های خدماتی دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های رقابت جهانی، از نتایج دیگر جهانی‌شدن قلمداد می‌شود.

فشار بیشتر بر محیط زیست و افزایش خسارات زیست محیطی در نتیجه تلاش دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های ناشی از رقابت‌های نابرابر بویژه در کشورهای در حال توسعه از دیگر نتایج جهانی‌شدن است. در نتیجه تضعیف نظام‌های بهداشت عمومی در بسیاری از کشورها، کاهش ظرفیت کشورها برای جلوگیری، کنترل و درمان بیماری‌های واگیر رخ داده است (Deacon, B. 1997) همچنین طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۷ عوامل پیش‌تر یاد شده باعث تضعیف سیستم‌های رفاه اجتماعی کشورها شده و نه تنها در افزایش بیماری‌ها بلکه در افزایش مصرف آنتی بیوتیک‌ها، داروهای غیر مجاز و سوء مصرف مواد مخدر نیز اثر گذار بوده است (WHO, 1997)

همچنین جهانی شدن، تغییر الگوهای مهاجرت و شهر نشینی و الگوهای استفاده از اراضی (مانند جنگل زدایی، شهرنشینی) را دچار تغییر نموده و جمعیت انسانی را در تماس بیشتری با ناقلین بیماری‌هایی مانند: کنه و بیماری لایم در شمال امریکا، ویروس Junin در آرژانتین، ویروس عامل ایجاد بیماری منتزیت<sup>۱</sup> در بولیوی و hantavirus<sup>۲</sup> سندرم ریوی در جنوب غربی ایالات متحده قرار داده است (Roizman, 1995; Lederberg, 1996). میزان بالای مصرف انرژی در جهان، گرمایش زمین، و بروز تغییرات جغرافیایی و فصلی شیوع بیماری‌هایی مانند مالاریا و تب دانگ در مقیاس جهانی را باید در آینده‌ای نه چندان دور، انتظار داشته باشیم (McMichael, 1997 & Haines).

علاوه بر تاثیرات مستقیم جهانی شدن بر سلامتی و بیماری‌ها، تاثیراتی نیز به صورت غیرمستقیم وارد می‌شود. پر واضح است که جهانی شدن عرصه رقابت در کسب حداکثر سود و عقب نماندن از دیگر کشورها را در پی دارد و برای باقی ماندن در دایره رقابت و کسب موفقیت هر چه بیشتر، لازم است که تولید بیشتری صورت گیرد و نتیجه قطعی این امر، بهره‌برداری هر چه بیشتر از طبیعت، افزایش استفاده از منابع فسیلی و در نتیجه گرم شدن کره زمین به شمار می‌رود که خود به تغییرات بوم شناسی انسانی و اثرات اپیدمیولوژیک بیماری‌های مسری و شرایط نگران کننده‌ای که در نتیجه این روند، ایجاد خواهد شد، می‌انجامد. بنابراین عامل اصلی بیماری‌های نوظهور، یکی از نتایج تغییر تعامل انسان‌ها با محیط فیزیکی و بیولوژیکی خود به شمار می‌رود. به عنوان مثال؛ در نتیجه گرم شدن کره زمین، استعداد لازم برای همه گیر شدن بیماری وبا<sup>۳</sup> در سایر نقاط جهان را به وجود آورده است.

1. Machupo

۲- بیماری است که در نتیجه تماس با ادرار چونندگان ایجاد می‌شود.

3. vibrio cholerae

## نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی دیدگاه‌ها و اطلاعات مختلف اقتصادی و اجتماعی که موارد محدودی از آن در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت درباره جهانی شدن می‌توان گفت این است که جهانی شدن از ابتدا در اندیشه بشری وجود داشته و همه نیک‌اندیشانی که برای سعادت بشریت تلاش می‌کردند و یا بدسگالانی که جهان‌گشایی را راهی برای تحقق آن می‌دانستند، در تلاش برای ساختن جهانی با ویژگی‌ها و معیارهای واحد بودند. در اندیشه دینی به ویژه در ادیان ابراهیمی (مسیحیت و اسلام) نیز این مساله به صورت پر رنگی دیده می‌شود و هر کدام برای دست یابی به جهانی واحد، راهکار ویژه‌ای را اتخاذ کرده‌اند، پادشاهان نیز با روش جهان‌گشایی با زور سرنیزه و قتل و کشتار و تصرف سرزمین‌ها در پی ایجاد جهانی واحد بودند، پیروان ادیان نیز با اعزام مبلغین و تبلیغ آموزه‌های مذهبی در پی همین اندیشه بودند.

با استناد به استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، که می‌گوید «هر فضایی از جهان که امکان پیشبرد اهداف سرمایه‌داری در آن متصور باشد، در معرض جهانی شدن است» آنچه جهانی شدن متاخر را از موارد مشابه پیشین خود متمایز می‌کند این نکته است که این نوع جهانی شدن، توسط نظام سرمایه‌داری برای تداوم و کامل نمودن دامنه استثمار خود- با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فناوری‌های نوین اطلاعاتی - مدیریت می‌شود. هدفی که پیش از این- و در مواردی اکنون نیز- با جهان‌گشایی به وسیله استفاده از نیروی نظامی، تحمیل قوانین بین‌المللی- تدوین شده توسط سازمان‌های زیر نفوذ خود- و تحمیل یکجانبه بر کشورهای مخالف با منافع خود و انعقاد معاهدات مورد توافق کشورهای ابرقدرت و... برای استفاده هر چه بیشتر از منابع و ثروت‌های دیگر ملل و حفظ پیشتازی خود در عرصه‌های مختلف طراحی شده و در حال پیاده سازی است. به تعبیر کاستلز، جهانی شدن راهکاری است که جهان غرب برای غلبه بر بحران اقتصادی خود بعد از دهه ۷۰ میلادی در پیش گرفت و از این راهکار برای

توسعه قدرت خود با مدد گرفتن از فناوری‌های نوین ارتباطی به گسترش دامنه سرمایه‌داری پرداخته است. اگر این فرض را بپذیریم بقیه کشورهای جهان تنها بازیگرانی‌اند که در زمینی بازی می‌کنند و با قواعدی بازی می‌کنند که جز برنده شدن نظام سرمایه‌داری، نتیجه‌ای نخواهد داشت. بنابراین کشورهای بقیه که نقشی در این فرایند یا پروژه ندارند نیز گاهی باید از موازین و معیارهایی تبعیت کنند که توسط همین قدرت‌ها تدوین شده و به گونه‌ای ناخواسته خود به ابزاری برای سرعت بخشیدن به جهانی‌شدن، تبدیل شده‌اند. افزون بر این، ساختارها و قوانین و مقررات داخلی خود را مطابق با آن شاخص‌ها شکل داده و دائماً تحت نظارت و کنترل جهان سرمایه‌داری قرار گرفته تا مبادا از چارچوب‌های جهانی شده عدول نمایند.

برخلاف تمام تلاش و دقتی که توسط نظام سرمایه‌داری انجام می‌شود، به دلیل ناعادلانه بودن شرایط حاکم آن، این معادله بر هم خورده و هر چند کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده منافع زیادی را حاصل ننموده‌اند، لیکن به‌ایجاد بحران‌های درونی و کاهش منافع کشورهای سرمایه‌داری منجر شده و در نتیجه کاهش درآمد سرانه در اغلب کشورها، افزایش بیکاری، افزایش جرایم و گسترش فقر را می‌توان از پیامدهای جهانی‌شدن متاخر دانست که در برخی موارد دامن‌گیر کشورهای توسعه یافته نیز گردیده است.

البته نباید از برخی نتایج مثبت جهانی‌شدن نیز غافل بود، تسهیل ارتباطات، امکان نظارت همگانی را میسر نموده و به تعدیل رفتار حاکمان کشورهای غیرمردمی، گردش مغزها و تسهیل در دستیابی به دانش جهانی - علیرغم محدودیت‌های نظام سرمایه‌داری - و ایجاد زمینه‌هایی برای افزایش دانایی از طریق آموزش از راه دور و ارتقای استانداردهای کیفیت زندگی و... یا آن گونه که گیدنز در نظریه "استعمار معکوس" جریانی را ترسیم می‌کند که در نتیجه جهانی‌شدن، این فرصت در اختیار کشورهای در حال رشد قرار می‌گیرد تا از منابع اطلاعاتی و فنی کشورهای غنی برای جبران دوره‌های استعماری گذشته خود استفاده نمایند.



با وجود همه این مطالب، نشانگرهای اقتصادی که حکایت از رکود و افت وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی می‌کنند، گواهی است بر این مطلب که؛ در شرایطی که جهان سرمایه‌داری تنها به منافع خود فکر می‌کرد، خود نیز همراه با کشورهای آسیب پذیر، به پایین کشیده شده است. درسی که این روند به ما می‌دهد، این است که تنها کسانی مصون خواهند ماند که انتخاب‌گرانه در این عرصه وارد شده و بتوانند ضمن حفظ منافع خود، از مضرات جهانی‌شدن مصون مانده و از منافع آن بهره‌مند شوند.

در پاسخ به سوال چه باید کرد؟ بهترین تدبیر را گیدنز پیش روی ما نهاده است که می‌گوید: باید به این موضوع توجه شود که هر کشوری نیاز به تدوین سیاست‌گذاری اجتماعی بومی خاص خود دارد و این امر بدون توجه دولت به تعامل مؤثر ذی نفعان در جامعه محقق نخواهد شد. بنابراین در تعامل مثبت میان دولت و ملت می‌توان به اتخاذ مناسب‌ترین رویکرد در مواجهه با امواج جهانی‌شدن پرداخت تا ضمن استفاده از منافع آن، از ضررهای آن مصون ماند.

بدون توجه به نظریات دانشمندان و فلاسفه و نظریات کهن و آمار و ارقام ارائه شده، گذشت زمان و قدم در راه ایجاد جهانی با معیارهایی واحد نتوانسته نارسایی و ناتوانی بشر در حل مسائل اساسی خود را کاهش دهد و مشکلاتی که از دیرباز دامن‌گیر بشر بوده مانند: فقر، جهل، ظلم، تبعیض و ناامنی نه تنها بر طرف نشده، بلکه به دلیل اسراف و زیاده‌خواهی و شادخواری جوامع سرمایه‌داری فزونی یافته و محیط زیست انسان نیز به شدت به مخاطره افتاده است. با این حال جامعه بشری هنوز راه حل فائق آمدن بر این مشکلات را پیدا نکرده است و امروزه بشریت بیش از گذشته به دنبال تصویری از انسان می‌گردد که جامع آرمان‌ها و کمالات مطلوب او بوده تا بتواند، اعمال و رفتار خود را بر اساس چنین الگوی نمونه‌ای تنظیم کند. ولی آیا می‌توان به مفهومی از انسان و قاعده رفتاری او دست یافت که رفاه مادی و تعالی معنوی و رشد و عدالت را در کنار هم تضمین کند؟ آیا چنین مفهومی تاکنون مصداق عینی هم داشته

است؟ در صورت وجود، ابعاد و زوایای آن چگونه ترسیم شده است و چه کسانی ارائه دهنده و عمل کننده به آن بوده‌اند و چه میزان از آن‌ها تحقق یافته است؟

### منابع

- ابریشمی، حمید؛ مهدوی، ابوالقاسم؛ احراری، مهدی؛ صابری، بیتا. (۱۳۹۰)، اثرات جهانی شدن بر اشتغال و تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۸.

- استریتانی، دومینیک. (۱۳۸۹)، مقدم‌های بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه: ثریا پاک نیت، تهران: انتشارات گام نو، چاپ پنجم.

- بری، نورمن. (۱۳۸۸)، رفاه، ترجمه: محمدرضا فرهادی پور، تهران: نشر آشیان.

- بوتول، گاستون. (۱۳۶۴)، تبیی در سئیزه شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران: چاپخش.

- پتريک، فیتز. (۱۳۸۱)، نظریه‌های رفاه سیاست اجتماعی چیست؟، ترجمه: هرمز همایون پور، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، انتشارات گام نو

- تاملیسون، جان. (۱۳۸۱)، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه: محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- ترنر، برایان. اس. (۱۳۸۶)، شرق شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه: سعید وصالی، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

- تورات. کتاب دانیال نبی، باب ۱۲، آیه ۵-۱ / کتاب اشعیاء باب ۶۰ آیه ۱۹.

- جلائی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۵)، آنتونی گیدنز و جهانی شدن، روزنامه شرق،

- رضایی، مریم؛ پیشوایی، فریده. (۱۳۸۹)، **استعمار مدرن** (جهانی شدن یا جهانی سازی؛ آثار و پی آمدها)، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی قم.

- ساعی، احمد. (۱۳۸۷)، جهانی شدن و رابطه آن با فقر، **مجله سیاست**، شماره ۵.

- شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۳)، پروژه جهانی سازی در جهان سوم، **رواق اندیشه**، شماره ۳۲.

- طالب، مهدی. (۱۳۷۱)، **تامین اجتماعی**، تهران: بنیاد فرهنگی رضوی.

- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۲)، «جهانی شدن ها: مفاهیم و نظریه ها»، **فصلنامه ارغنون**، شماره ۲۴.

- علی راد. (۱۳۸۹)، **جهانی شدن** [Alirad24.Persianblog. Ir/tag](http://Alirad24.Persianblog.Ir/tag)

- کهن، آبراهام. (۱۳۸۲)، **گنجینه ای از تلمود**، ترجمه: گرگانیف، تهران: انتشارات اساطیر.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، **راه سوم**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰)، **پیامدهای مدرنیت**، محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲)، «**تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**»، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲)، **فراسوی چپ و راست**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- موسسه عالی پژوهش و تامین اجتماعی. (۱۳۷۸)، **تامین اجتماعی و توسعه**، تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش و تامین اجتماعی.

- موسسه عالی پژوهش و تامین اجتماعی. (۱۳۷۸)، **نظام جامعه رفاه و تامین اجتماعی**، تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش و تامین اجتماعی.

- Blanka Kalinova, Angel Palerm and Stephen Thomsen (2010),  
“**OECD’s FDI Restrictiveness Index: 2010 Update**”, OECD  
Working Papers on International Investment, No. 2010/3, OECD  
Investment Division, www. OECD. org/daf/investment/workingpapers
- Booth, A. (1995). **Southeast Asian economy ic growth: can the  
momentum be maintained?** southeast asian affairs ISCAS,  
SINGAPOR
- CEES J. HAMELINK, "**The Elusive Concept of Globalization**"  
GLOBAL DIALOGUE Volume 1, Number 1, Summer 1999 , The  
Globalization Phenomenon
- Deacon, B. (1997). **Global Social Policy, International Organizations  
and the Future of Welfare**. London: Sage.
- Deneulin, Severing, and Lila Shahani (2009). **An Introduction to the  
Human Development and Capability Approach: Freedom and  
Agency**. Human Development and Capability Association.
- Kelley Lee K. (1999). "**Globalization, communicable disease and  
equity**", London School of Hygiene & Tropical Medicine, London  
Development.
- Nicola Yeats. (2007). "**Globalization and the social justice**", agenda for  
education: Moving from critique to possibilities Yvette Daniel  
University of Windsor, Brock Education Vole 16, No.
- Paul Wilkinson. (1995). **Newsweek**, February 27.
- Sen, Amartya. (1999). "**The Perspective of Freedom**." In *Development as  
Freedom*, by Amartya Sen, 13-34. New York: Anchor Books.
- WHO. (1997). ‘**New Report Confirms Global Spread of Drug-resistant  
Tuberculosis**’, WHO Press Release, 22 October
- <http://alaam.tahoor.com/page.php?id=11845>
- [http://info.worldbank.org/etools/docs/voddocs/144/324/Globalization%20PRR  
12-12.pdf](http://info.worldbank.org/etools/docs/voddocs/144/324/Globalization%20PRR12-12.pdf)